



سال دوم نیمه اول مهرماه ۱۳۶۷

سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

ارگان کمیته خارج از کشور

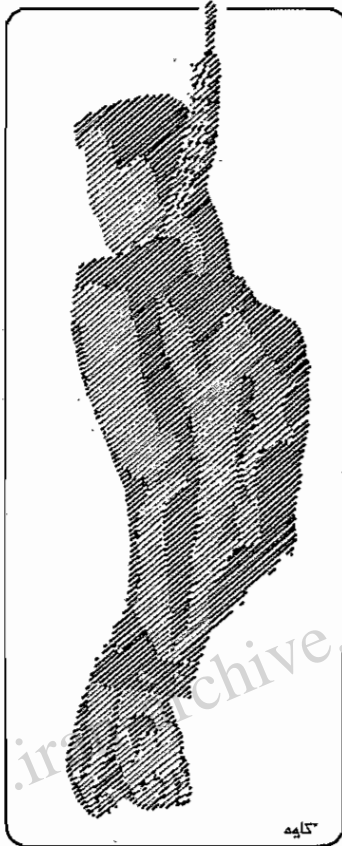
## آخرین اخبار زندانها

تهران

اعتصاب غذای زندانیان و تحصن

خانواده‌های زندانیان سیاسی

دربی صدور فتوای جنایتکارانه قاضی القضاة رژیم سفاک دایر بر اعدام بدون محاکمه زندانیان سیاسی، موج جدیدی از اعدام‌های دسته جمعی و اعمال سنگین ترین فشارها بر زندانیان سیاسی آغاز گردیده است. بر طبق اخبار دریافتی از نیمه اول مرداد ماه بدنبال پیکرشته اعدام‌های گسترده گروهی در زندان اوین و تشدید آزار زندانیان درگیرهای شدیدی در زندان بوقوع پیوسته است با گسترش اعدام‌های دسته جمعی و انتشار خیر در میان زندانیان، اسرای قهرمان زندان اوین بار دیگر از نیمه مرداد ماه اقدام به برپائی اعتصاب غذای پرشکوهی نموده اند که مستمک تا دو هفته ادامه داشته است. جلالان رژیم اسلامی در هراس از انعکاس مبارزات پهلوانانه زندانیان سیاسی و تصمیم آن به سایر زندانها بلافاصله ملاقات کلیه زندانیان را قطع نمودند. اما خانواده‌های زندانیان که بویژه با تشدید سرکوب وحشیانه رژیم فقا مدتی است از سرنوشت عزیزان دربندشان بی اطلاعند در طی واپسین روزهای مرداد ماه پیوسته در جلوی مراکز مربوطه تجمع نموده و ضمن اعتراض به قطع ملاقات با عزیزانشان خواستار لغو ممنوعیت ملاقاتها می شوند. خانواده‌های قهرمان زندانیان سیاسی از روز چهارشنبه ۲۶ مرداد ماه اعتراض یکپارچه خود را با تحصن در جلوی درب دادگستری تهران آغاز میکنند. در **بقیه در صفحه ۲**



تکایه

## حمایت بین المللی بمنفع زندانیان سیاسی و پناهندگان را فعالتر کنیم

افکار عمومی بشریت مترقی و موضعگیری سازمانها و احزاب سیاسی کشورهای جهان و مجامع بین المللی علیه اختناق و سرکوب در این یا آن کشور نقش مهمی در محدود کردن دست و بال حکومت‌های سرکوبگر دارد. معادلات سیاسی و ارتباطات بین المللی جهان معاصر بگونه‌ای است که حتی ملزومی ترین دولت‌ها نمیتوانند نسبت به افکار عمومی بین المللی بی‌اعتنا بمانند. تاثرآین عامل در حیات و شیوه برخورد دیکتاتوری های سرکوبگر و فاشیستی در موضع ضعف و نیاز آنها به بسط رابطه با دیگران، تشدید میگردد. نقش پراهمیت افکار عمومی را حتی در مورد جمهوری اسلامی شاهد بودیم، زمانیکه نسبت به حکومت‌های مکرر خود از جانب سازمان ملل در مورد نقض حقوق بشر در ایران بخصم می‌آمد و هذبان میگفت.

اما اکنون که رژیم فقا به سیاست گسترش رابطه با کشورهای امپریالیستی و خروج از انزوای بین المللی روی آورده است و در صدد آنست که از این طریق برضعف خود غلبه کرده و با کسب اقتدار لازم، موقعیت خود را تثبیت نماید، بیش از هر وقت دیگری به فشار افکار عمومی بین المللی حساسیت دارد.

بقیه در صفحه ۲

## گزارشی از نظرات مردم در مورد پذیرش قطعنامه ۵۹۸

در صفحه ۴ بخش دوم

### مقدمه بررسی جنبش دانشجویی

در خارج از کشور

در صفحه ۶

### سازمان مجاهدین خلق

بن بست استراتژیک

یک الکتروناتیو ارتجاعی

در صفحه ۵

### مصاحبه با فرگس وفادار

در صفحه ۱۰

طرحهای معتدل برای

انقلاب فلسطین

در صفحه ۷

### زندگی و مبارزات پناهندگان

اعتراضات گسترده مهاجرین ایرانی علیه

استرداد پناهندگان توسط دولت ترکیه

هامبورگ - آلمان فدرال

تظاهرات ایستاده علیه استرداد ایرانیان

سوسیال دمکراسی سوئد

پناهندگان ایرانی را برمیگرداند

در صفحه ۱۲

سوئد - استیکلم در صفحه ۱۳

اعتراض علیه استرداد پناهندگان

### سال تحصیلی جدید

سال آوارگی دانش آموزان

سال تحصیلی جدید فرامیرسد، سالی دیگر با سعی بیشتر جمهوری اسلامی در گره زدن مذهب با تارو بود وجود دانش آموزان سالی دیگر با شعار اسلامی‌تر کردن مدارس آغاز میشود. سالی چون سالیهای قبل. سانسور، تقطیع نقاید، کومپینی، تاریخ اندیشی، معلمین امور تربیتی و انجمن‌های اسلامی، ششمی مغزی و... جمهوری اسلامی همان هست که بود. رژیم مخالف هر گونه دانش و فرهنگ، رژیمی خرافانپرست و دشمن علم و دانش و براین اساس مخالف هرگونه و هرشکلی از تحصیل. اگر ناقل از اعلام آتش بی رژیم برای بسج دانش آموزان جهت کسب به جبههها طرح "پاسدار دانش آموز" ایجاد میکرد و "سازمان رزمی مدارس" تشکیل **بقیه در صفحه ۳**

علیه اعدام و شکنجه و برای نجات جان زندانیان سیاسی بپا خیزیم!

## حمایت بین المللی

### بمنفع زندانیان سیاسی و پناهندگان را فعالتر کنیم

پناهندگی بعد از پذیرش آتش بس توسط فقها شدت گرفته است. این کشورها به بیانه پایان یافتن جنگ علت اصلی پناهندگی ایرانیان، یعنی اختناق و سرکوب در ایران را تعصبا نادید میگیرند. و علاوه بر رد تقاضای پناهندگی مقدمات استرداد آنان به ایران را فراهم میکنند. این واقعیتی است که کشورهای مختلف، علاوه بر مستمسک قرار دادن وضعیت آتش بس برای پیش بردن سیاست های ضدپناهندگی خود، قصد لبیک به خواست رژیم اسلامی برای فشار بر ایوزیسیون ایرانی و لاجرم بر پناهندگان و مهاجرین سیاسی را دارند. این وضعیت خصوصا در مورد کشورهایی مانند ترکیه و پاکستان که تعداد وسیعی از هموطنان ما بصورت غیرقانونی و بلا تکلیف در آنها بسر میبرند بنحو خطرناکی مطرح است. اگرچه کشورهای باصلاح متمدن مانند سوئد نیز قصد دارند در این مورد گوی سبقت را از امثال ترکیه برپایند. لذا توجه اکید به این امر و طرح يك مبارزه مشترك با نیروهای مترقی کشورهای میزبان جهت مقابله با این سیاستها، بیش از هر زمان ضرورت دارد. افتخار گری در مورد مضمون رابطه با جمهوری اسلامی و تبادل شرایط اختناق در ایران به آماجگی افکار عمومی برای مقابله با این خطر کمک میکند.

همانطور که ذکر کردید، سازماندهان حمایت بین المللی از جنبش انقلابی و برای آزادی در ایران خصوصا در موقعیت کنونی از کارائی و اهمیت زیادی برخوردار است. وظیفه همه مهاجرین آزادیخواه است که در این مورد اقدام کنند و خصوصا اعضا و فعالین سازمان ما می باید با طرح و ارائه موضوعات مطروحه برای پیشبرد مبارزه مشترك با نیروهای کشورهای میزبان وظائف اخص خود را عملی نمایند.

درجات و تقویت دیکتاتوری سیامذهبی، مرد را بیش از پیش آماده اقدامات عملی علیه این وضع میکند. اقداماتی که می تواند در شرایط کنونی تأثیرات مهمی در وضعیت زندانیان سیاسی ایران داشته باشد. مهمترین و عملی ترین اقدامی که میشود از طریق همکاری و مبارزه مشترك با نیروهای خارجی انجام داد، درخواست اعزام هیاتهای رسمی از مراجع بین المللی مانند صلیب سرخ و یا مجامع جهانی حقوق بشر و وکلا و حقوقدانان برای بازدید از زندانهای ایران است. برای پی گرفتن چنین شعاری، به تشکیل کمیته های مخصوصی جهت پیشبرد آن نیاز است. این کمیته ها بعلاوه در دستور قرار دادن يك هدف مشخصی که امکان تحقق دارد و آسانی می تواند شکل گرفته و نیروهای موثری را بخود جلب نمایند. خصوصا اینکه نحوه پیشبرد این شعار و جایگاه آن میان نیروهای مترقی کشورهای مختلف، از سابقه طولانی و شناخته شدگی کافی نیز برخوردار است. البته پیشبرد این شعار نه تنها نافی مبارزه برای شعارهای اساسی، آزادی زندانیان سیاسی و قطع انعام و شکنجه نیست، بلکه در رابطه با همکاری و مبارزه مشترك با نیروهای کشورهای دیگر حول این خواسته ها، بعنوان يك پیش درآمد مهم تلقی میشود. پیش-درآمدی که راه پیگیری شعارهای دیگر را، که نیاز به کار طولانی مدت دارد میکشاید. و از طرف دیگر در شرایط حاد کنونی به نیاز عاجل مقابله با توطئه فقها پاسخ میگوید.

مسئله دیگری که در موقعیت کنونی و به دنبال سیاستهای فقها حادث گردیده و نیازمند حمایت وسیع بین المللی است، وضعیت پناهندگان و مهاجرین ایرانی در کشورهای مختلف است. مطابق گزارشات متعدد از کشورهای اروپائی روند فشار روی ایرانیان متقاضی

اگر فقها برای دستیابی به اهداف خود به دولتهای امپریالیستی چشم دوخته اند، ما هم برای مقابله با سیاست آنها برای فعال کردن عوامل بین المللی به نفع جنبش انقلابی و دمکراسی در ایران، می باید بیش از گذشته بنفکار عمومی و احزاب و گروه بندی های سیاسی پیشرو این کشورها تکیه نماییم، بویژه آنکه در این زمان دول امپریالیستی بدلیل سیاست جدید فقها و پیداشدن افتقهای مثبت برای خود، ریاکارانه به بزرگ کردن چهره کریه آنها مشغولند و با تبلیغ در مورد تغییر اوضاع در ایران توسط جناح باصلاح "معتدل"، افکار عمومی را جهت کمک گسترده به رژیم اسلامی آماده می کنند، وظیفه ما علیه این توطئه نیز روشن میشود. ما باید نشان دهیم که چگونه رژیم فقها با بیرنگی از این موقعیت، سرکوب مخالفین را شدت داده و در راس همه جنایات خود گروه گرو زندانیان سیاسی را انعام میکند تا از پاره شدن زنجیر اختناق جلوگیری کند.

در این شرایط فعالیت علیه اختناق در ایران و بنفع زندانیان سیاسی مسائلی است که بیش از هر زمان حساسیت و همدلی مردم و نیروهای مورد نظر را برمی-انگیزد. اگر دولتهای امپریالیستی در کمال آرامش وجدان و با خوشحالی و شغف به اقدامات جنایتکارانه رژیم اسلامی علیه زندانیان سیاسی برخورد میکنند و با پهن شدن سفره "بازسازی" اشتهایشان تحریک شده و با پدیدار شدن چشم اندازهای نوین غارت و بهره برداری بیشتر از بازار پرامکان کشور ۵۰ میلیونی و استراتژیک ایران، بادم خود گردو می شکنند، اما فراوانند مردم و نیروهای پیشروی که از شنیدن خبر انعامها و سخت تر شدن شرایط زندانیان به تکان می آیند. افشاکاری و دادن آگاهی در مورد نقشی نقش گسترش همکاری و ارتباطات دول امپریالیست با حکومت فقها

## آخرین اخبار زندانها

این روز خانواده ها پس از چند ساعت تحمّن و بواسطه عدم رسیدگی مسئولین دادگستری نسبت به درخواستهایشان یکبار دیگر از گروه های هر چه بیشتری از خانواده های زندانیان سیاسی دعوت میکنند که روز بعد نیز به تحمّن اعتراضی خود ادامه دهند.

روز بعد پنجشنبه ۲۷ مرداد ماه از ساعت ۸ صبح با حضور هر چه گسترده تر خانواده های زندانیان سیاسی که جمعیتی بالغ بر ۶۰۰ نفر بوده و تمامی محوطه درب دادگستری و اطراف آنرا پوشانده بودند این تحمّن پرشکوه تداوم می یابد، همچنین در این روز طوماری که در آن تقاضای رسیدگی به خواستهای زندانیان سیاسی و لغو ممنوعیت ملاقاتها مطرح شده و با امضای صد ها تن از خانواده های زندانیان سیاسی مورد تاکید قرار گرفته بود، تهیه شده و در محوطه بیرونی دادگستری نصب میگردد. تلاش فداکارانه و مستمر خانواده های رنج دیده زندانیان که در طول روز با ورود به اتاقها و قسمتهای مختلف بیدادگاه رژیم اسلامی و طرح خواستهای خود میکوشیدند عوامل رژیم را تحت فشار قرار دهند با بی اعتنائی کارگزاران این دستگاه عریض و طویل سرکوب مواجه گردیده و با پایان ساعت کار اداری روز پنجشنبه خانواده ها، ناگزیر به تحمّن خود در ساعت

در برقراری ملاقاتها را مطرح می نمودند پاسخ میدهند که هیچگونه بخشنامه و یا دستورالعملی در این زمینه دریافت نگردانند و کماکان ملاقاتها قطع خواهند بود. همچنین یکی از مادران زندانی در برابر تمسخر مسئولین جنایتکار زندان خطاب به آنان میگوید: "سخره کبید بالاخره نوبت ما هم خواهد رسید". کلام پرصلابت این مادر قهرمان را به مذاق مزدوران دادستانی خوش نیامده و بلافاصله عدای از مامورین بطرفش حمله ور شده و وی را بداخل زندان میبرند که هنوز از سرنوشتش اطلاعی در دست نیست. خانواده های زندانیان که از صبح زود جلوی زندان گهردشت تجمع نموده و برای دست یافتن به کوچکترین خبری از وضعیت اسرای دربندشان مسافتهای طولانی و طاقت فرسا را طی کرده بودند تا ظهر این روز بدون آنکه موفق به دریافت ملاقات شوند خسته اما پرتحمل، سرگردان ولی پرتلاش، رنج دیده اما در کوره آلام بیکران آبدیده، غرولند کتان با تراکی انفجاری از خشم و نفرت محل زندان را ترك گفته و در اندیشه رهائی فرزندان شان گامهای خود را سنجیده تر برمیدارند!

در جریان تحمّن روزهای ۲۷ و ۲۹ مرداد ماه يك نسخه از طومار اعتراضی خانواده های زندانیان سیاسی که به امضای ۷۳۰ تن از اعضای این خانواده

۱۱ خاتمه داده و یکبار دیگر از کلیه خویشاوندان زندانیان سیاسی دعوت میکنند که تحمّن اعتراضی خود را تا حصول به خواسته هایشان از روز شنبه ۲۹ مرداد ماه مجددا از سرگیرند.

از ساعت ۸ صبح روز شنبه ۲۹ مرداد ماه بار دیگر محوطه جلوی درب دادگستری و اطراف آن از جمعیت نگران خانواده های زندانیان سیاسی که خواستار ملاقات با جگرگوشگان اسیرشان بودند انباشته میشود. گروهی از خانواده ها به نمایندگی از جانب سایر متحمّنین به داخل دادگستری میروند و پس از ساعتی سرانجام بجنوردی عضو شورای عالی قضائی درجح متحمّنین حاضر شده و خطاب به خانواده ها میگوید که از يك تا دو هفته دیگر ملاقات زندانیان گهردشت برقرار خواهد گردید ولی کماکان ملاقات با زندانیان اوین تا اطلاع ثانوی ممنوع خواهد بود. پس از دریافت این خبر بسیاری از خانواده ها در عین حالیکه همچنان مضطرب و خشمگین بودند به تحمّن سه روزه خود خاتمه می-بخشدند.

روز سه شنبه ۸ شهریور ماه عده زیادی از خانواده ها بمنظور دیدار با عزیزان خود به زندان گهردشت مراجعه میکنند. اما با بی اعتنائی کامل مسئولین زندان مزبور مواجه میشوند. مسئولین زندان گهردشت در برابر اعتراضات خانواده ها که ادعای "بجنوردی"

ادامه از صفحه ۱

## سال تحصیلی جدید سال آوارگی دانش آموزان



میدان تا بدین وسیله آنان را از مدرسه دور نگه ندارد. امسال نیز صددرصد طرحهای جدیدی از آستین خویش بدر خواهد آورد. و درست بر این اساس است که هر روز خبر تعطیل يك مدرسه را در نقطهای از کشور در روزنامهها شاهدیم. برای مشت نمونه خروار: "دبستان دولتی دخترانه" آیندسازان" در منطقه ۷ آموزش و پرورش تهران توسط پلیس قضائی تخلیه شد. "در این مدرسه ۳۰۰ دانش آموز تحصیل میکردند. مسئولان آموزش و پرورش منطقه در صحبت با روزنامه کیهان اظهار داشته اند که "امکان تامین ساختمان جدیدی را ندارند. باید یکی دیگر از مدارس خودمان را چند نوبته بکیم" و جالب اینجاست که طبق همین گفتهها "در این منطقه نزدیک به ۷۰ مدرسه استجاری داریم که حکم تخلیه تعدادی از آنها صادر شده است."

برای هر خوانندگای در ابتدای امر این مسئله به نهن خطور میکند که شاید مشکل مالک و مستاجر را داشته باشند. مسائلی که رژیم نیز سعی دارد اذهان را به آن متوجه گرداند و بر این اساس هم مسئولین "توسط پلیس قضائی" را نیز در پی هر جمله اضافه گردانند، تا خود را از هر گناهی مبرا دارند ولی جواب پلیس قضائی نیز در این مورد شنیدنی است. در مورد تخلیه این مدرسه چند روز بعد پلیس قضائی اعلام میکند که "سه شرط برای بستن مدرسه را در اختیار وزیر آموزش و پرورش" گذارده" ولی وزیر آموزش و پرورش هیچگونه اقدامی نکرده". پلیس قضائی در این جوابیه ادامه میدهد که "حتی آنها پیشنهاد تاخیر تخلیه مدرسه را تا سال ۶۸ داده بودند" ولی وزیر آموزش و پرورش هیچگونه جواب و اقدامی در این مورد بعمل نیاورده و آنها مجبور به تخلیه شدند.

طبق این ادعا که تازگی نیز ندارد، رژیم خود

گرفت" (از نامه یکی از والدین دانش آموزان به کیهان ۳ شهریور) و تازه بسیاری از مدارس "برای تامین بعضی مخارج تحت عنوان هزینه سرویس و ناهار مبلغ سنگینی (در حدود ۱۰ هزار تومان) از والدین دریافت میکند در صورتیکه نه سرویسها از نظم دقیق برخوردارند و نه غنا از کیفیت مطلوب" (منبع مذکور)

در کنار بسته شدن پشت سرهم مدارس دولتی، از تاسیسی متوالی مدارس خصوصی نیز باید یاد کرد. امری که برطبق آن هرگونه امکان ادامه تحصیل برای فرزندان افراد کهنرآمد و کارگران و زحمتکشان سلب خواهد شد و فرزندان طبقات مرفه با طیب خاطر از امکانات رژیم و "دولت پابرهنگها و مستضعف پرور" استفاده خواهند کرد.

تهدید به نابودی علم و دانش تنها در سطح مدارس نیست. دیو جهل و نادانی چنگال تباهی خویش را برکل موسسات آموزشی انداخته است.

قریب به ۳۰۰ تن از زندانیان مزبور بنا بعمل مشکوک و نامعلومی از زندان اهواز به اصفهان انتقال یافتند.

گفته میشود در پی تصفیه خونین در زندان اهواز که با کشتار دسته جمعی دهها تن از زندانیان سیاسی و جابجائی صدها تن دیگر از اسرای قهرمان توأم گشته زندان مزبور تقریباً خالی شده و در آن حدود ۱۰۰ تن دیگر از زندانیان سیاسی در اسارت بسر میبرند. خاطرنشان میشود که از سال ۶۰ بدین سو و تنها در شهر اهواز از استان خوزستان قریب به یک هزار تن از زندانیان سیاسی تیرباران شدند که در ۲ گورستان ویژه این شهدا در اطراف شهر اهواز مدفون میباشند و هر هفته خانوادههای داغدار این شهدا با تجمع بر مزار عزیزانشان جسورانه نمایشات سیاسی پرشکوهی را برپای میسازند. بنحویکه سردادن شعارهای "مرگ بر خمینی" بطور دسته جمعی و پخش سرودهای انقلابی توسط ضبط صوت در این گورستان از رایج ترین اقدامات خانوادههای قهرمان شهدا می باشد. حضور یکپارچه و خشم

## آخرین اخبار زندانها

ها رسیده بود به کمیته بین المللی دفاع از زندانیان سیاسی (والیته به سازمان ملل در تهران) ارسال میشود و عدای از اعضای این کمیته بین المللی با حضور در میان خانوادهها بطور زنده برجریان این تحمن قرارداشتند.

### اهواز تصفیه خونین در زندان

رسمی ترین سیهال اهواز بانام "نجر" که تا چندی پیش بالغ بر ۵۰۰ دلاور خلق را در آن به بند کشیده بودند اواخر مرداد و اوائل شهریور ماه سال جاری شاهد تصفیای خونین بود. در طی روزهای یاد شده جلادان فاشیست زندان اهواز در اجرای احکام قهای جنایتکار ۳۶ تن از بهترین فرزندان کارگران و زحمتکشان قهرمان این خطه را بیرحمانه به جوخههای اعدام سپرده و اجسایشان را در گورستان ویژه اعدام شدگان که در بیابانهای اطراف اهواز قرار دارد دفن نمودند. همچنین

لیریزان این خانوادهها بحدی است که عوامل سرکوب رژیم را از نزدیک شدن به محوطه گورستان نیز برحذر میدارد.

### شیراز — بازجویی و محاکمه مجدد

#### زندانیان سیاسی زندان عادل آباد

بدنبال تشدید سرکوب و فشار وحشیانه جنایتکاران اسلامی در سراسر زندانهای ایران، از هفته آخر مرداد ماه فشار به زندانیان سیاسی زندان عادل آباد شیراز به اوج تازدای رسیده و هنوز نیز ادامه دارد. زندانبانان فاشیست کلیه زندانیان سیاسی را ممنوع الملاقات کرده و بدین وسیله مانع از دیدار خانوادههای زندانیان سیاسی با عزیزانشان گشتند و پس از آن کلیه زندانیان را برای بازجویی های مجدد از زندان به بازداشتگاه (مرکز بازجویی) منتقل کرده و به زیر شکنجههای وحشیانه بردند و کلیه زندانیان را تجدید محاکمه نمودند.

## گزارشی از نظرات مردم

## در مورد پذیرش قطعنامه ۵۹۸

بخش دوم

ارتش است از قول پسرش بلند، بلند چنين نقل مي‌کند: بعد از اينکه موشک بارون تهران تمام شد و ما فو رو از دست داديم قرار بود ۸۰٪ کارمندان و کارگران را سريعاً به جيبها بفرستند اما از داخل کشور و از توطئه منافقين و ضدانقلاب ترسيدند، بخاطر همین جلوی تمام بانکها کيسه‌شن گذاشتند و از طرفی چون نتوانستند نيروی لازم را فراهم کنند یعنی ۲۰٪ کارگران و کارمندا هم نرفتند، دولتی هانسته و فکر کردند و بهترين علاج را صلح ديدند، زن جوانی که در کنار دوپچاش در رديفای جلو نشسته بود برگشته و با صدای بلند گفت، خوب برادر من مگه صلح بده! همه مردم صلح ميخوان، گرونی رو نمی بينی، بيچاره شديم بنار چند روز ديگه ای که زنده هستيم روز خوش داشته باشيم. نوجوانی که تا اين لحظه منام با دوستانش شوخی کرده و ميخنديد خیلی جدی گفت: ميدونيد تو اين کشور چقدر جوان هم سن و سال من هست که سربازی شون برای پدر و مادرا يك کوه نسه بود اما حالا خيال اونا راحت شده، راننده اتوبوس با بيحوصلگی و کمی محتاطانه گفت هر دعوائی آخرش صلحه، چقدر خوب بود چند سال پيش قبل از اينکه آتيمه جوان بخاک بيفته اينگار رو ميکردند.

در دو صف مقابل هم! (زنانه و مردانه) نانوائی بحث از همه جا پرشورتر بود و زنی با صدای بلند آنطور که کارگران نانوائی هم بشنوند گفت: خداکه آرد زياديشه، پخت خوب بشه و اين نانوائيا کمی خلوت بشه آخه روزی ۲ ساعت صبح، ۲ ساعت عصر بايد فقط تو صف نانوائی بايستيم، پيرمرد ريشو که عصبی بنظر ميرسيد از صف مقابل (مردانه!) تقريباً داد زد چته آجی، دوران سازنگی ما سخته، چته اينقدر بی تابی ميکنی برو خدا رو شکر کن که ۰۰۰ زن جوانی که اول صف زنانه بود نکناشت صحبت پيرمرد تمام شود و گفت: خوبه، خوبه شکر کنه که چی، شکر کنه که ازصبح تا شب تو صف! شما مردها که خيرنداريد بيشترين زحمت و فشار را در اين دوران جنگی ما زنها کشيديم، حالا مگه بد ميگه که آرزو ميکنصلح شده خیلی خوب اما تاثير آن بايد برای ما وضع رو بهتر کنه نه بدتر و با لحن نرم تری ادامه داد. توهم مثل پدر من هستی نمی‌خوام جسارت کم آرزوی همه پدر و مادرا بود که صلح زودتر بياد اما برای چی بياد؟ برای اينکه اين گرونی روبرداره، هی از اين صف تو اين صف رفتن رو برداره به مشت بازاری که جيبشون پر شد از اونا تمار بکته صلح یعنی اين پدر من، صلح یعنی اين برادر من. صحبتهای محکم زن جوان که تيبی کاملاً عامی و زحمتکش داشت آنچنان در روحيه جمع اثر کرده بود که همگان به تحسین وی پرداختند. مرد جوانی که جلوی من درصف ايستاده بود گفت خواهر شيرت حلال، کاملاً راست ميگی، صلح یعنی همین که کشت و کشتار نباشه، صلح یعنی اينکه کار رباشه، گرونی نباشه، دوستی و ورواستی باشه. حالا تازه قدم اول رو برداشتيم ايشالله به آروزها هم ميرسيم، جوان که تحصيل کرده بنظر می‌آمد تقريباً از صف خارج شده و خطاب به صف زنانه! و شايد زنی که شجاعانه صحبت کرده بود گفت، خواهر! اين پدر حق داشت که ميگفت بی تابی نکيد، ماميدونيم که شما مادرها خیلی درد و رنج کشيديد، خیلی ناغ ديديد ولی الحمدالله جنگ تمام شد و روسياهی موند به بقیه در صفحه ۷

ولی دوباره رفسنجانی دنبال جريان را گرفت و بعد از شکست فو و شلمچه بقیه جاها را بدستور اون عقب نشستند، مرد سن و جاقاندايی گفت حالا که کار به اينجا رسیده و اينهمه کشته و خرابی ببار آمده بايد جنگ يکسره بشود من نميدونم چی شده که اين (رؤيم) از اونهمه حرف و قول وقرارهای قبلی شون که با خون شهدا و رسول خدا داشتند، برگشتند. کارگر مکانیک با خنده گفت همان جور که از حرامی گوشت یخی، مجانی بودن آب و برق و بلیط اتوبوس گذشتند از جنگ، جنگ تا رفع فتنه در عالم هم برگشتند و با خنده ادامه داد ما چه ميدونيم شايد هم واقعا فتنه از عالم رفع شده! وی گفت البته من طرفدار صلح هستم، ضرر را از هرجا جلويش را بگیری منفعت، سرمايههای مملکت از دست رفته حالا دولت بايد به کاری بکته، فوراً صد هزار کارگر استخدام و چند تن هم رنگ از خارج وارد کنه تا اين کارگرها بکک رنگها بتوانند شمارهای جنگی و جنگ طلبی را از در و ديوار اين مملکت پاک کنند! (خنده جمعيت) در همین موقع روزنامه آمد و از اينکه کوچکترين اشاراتی به موضوع نشده بود به شک و تردیدها دامن زد، عداوی ميگفتند. شايد شايعه باشه، اما برخی قاطعانه نظر ميدادند که خودما از راديو شنيديم، احتمالاً روزنامهها زودتر از چاپ بيرون آمده و شايد هم فوق العاده چاپ کنند.

وقتی با روزنامه وارد قهوهخانهی شدم تقريباً توجه همه مشتریان به روزنامه جلب شد و از نگاه استهزام آميزشان فهميدم که منتظرند ببينند از صلح چی نوشته، روزنامه را بهمان جمعشان برده و گفتم فعلاً چیزی ننوشته شايد فوق العاده چاپ کنند چون خير بهر صورت مهمه و باب دل همه مردم که از جنگ خسته شدهاند، پيرمردی خطاب به قهوهچی گفت مشددی بفرست يك جعبه شيرینی بخره هم خيروامانت و هم برای صلح، قهوهچی در حالیکه بسرعت چای ميريخت گفت بنار قطعی بشه نوکرتم ميخرم، مرد شکپنده و چاقی که بزحمت نفس می کشيد گفت صلح به وقتی شيرینی داشت اما الانه ده سال ديگه هم بايد صبر کنی تا خرابیهای آباد بشه یعنی سختی زیادی در راهه. دیگری گفت رفسنجانی اينگار رو کرد، خانواده شهدا بالاخره ترورش ميکنند، آخه جيره و مواجب آنها مگه قطع بشه، شاکرد جوان و سينه کفتری قهوهخانه در حالیکه منام اينور و آنور ميرفت و از مشتريانش با قلبان و چای پذيرائی ميکرد گفت، خواهر من در اراک به شهيد داده و به اسير اما با جنگ مخالف بوده، همه خانواده شهدا که مثل هم نيستند يکعده خشکه مقدساش با صلح مخالفند اما بقیه قبول دارن. پيرمردی با خنده در حالیکه دستش را بشدت تکان ميداد گفت از اين هفته در نماز جمعه شعار ميدن صلح، صلح تا پيروزی!

در اتوبوس مرد نسبتاً سنی که ميگفت بازنشسته

روز ۴/۲۷ ساعت ۳/۵ بعد از ظهر در صف روزنامه جمع کثیری ايستاده بودند (جنوب شهر)، هنوز عداوی از آنها موضع ايران و پذيرش قطعنامه ۵۹۸ را از اخبار ساعت ۲ نشنیده و از جريان بی اطلاع بودند، رهگذری حين عبور گفت: چيه منتظر خبر صلحيد؟ مگه باور نمی کيد صلح شده ديگه، چند لحظه بعد همه در میان جمعيت که از سنين و تيبهای مختلف بودند شروع شد، نوجوانی که عينک نر بينی بر چشم و ته ريشی داشت با حالت برافروخته گفت، منکه باور نمی کم، اگر اين خبر واقعيت داشته باشد افتتاح است، صلح تحمیلی همينه، پاک آبروی اسلام رفت! جوان ريشوی دیگری که بنظر می‌آمد کارمند يابک معلم حزب - اللهی باشد با لحن آرام گفت تيزمن احساسی برخورد نکن، يکروز جنگ به صلحت اسلام بود و يکروز صلح درسته، تازه ما فقط قطعنامه را پذيرفتيم و اين بمعنی صلح تمام عيار نيست بايد متجاوز را معرفی کنند. من در ابتدا فکر کردم آن دو نفر از عوامل رژيم می باشند که در هيئت موافق و مخالف به نوعی نظرسنجی مشغولند اما وقتی بحث همهجانمتر شده و تقريباً تمامی صف را به جمعهای ۵، ۶ نفره تبديل کرد متوجه شدم که فرضاً اگر هم چنين باشد بهترين موقعيت جهت سمت و سو دادن به نظرات فراهم شده، مرد موقر و جوانی در جواب مرد ريشو گفت صلح خیلی خسوس و دوست داشتنی است و حقيقتاً خواست اکثريت مردم بوده که دولت را به قبول و پذيرش آن واداشته اما اگر اين پذيرش يکسال پيش صورت ميگرفت حداقل تلفات موشکی اخير را نداشتيم و يا اين صلح ميتوانست خیلی پيش از اينها قبل از آنکه در هر تک و پاتک، سی هزار، سی هزار کشته دهيم صورت پذيرد، وی ادامه داد که تاخير در پذيرش صلح و تاثيرات مخرب آن بلحاظ جانی و مالی و اثرات روانی بر جامعه مستقيماً بگردن کسانی است که با حماقت اين جنگ بی حاصل را ادامه دادند و حالا که ديگه هيچکی به نهای "هل" من ناصر الاقايان گوش نمی دهو گفتگر به ته ديگ خورده و همه خانه - خراب شدهاند قبول آن مثل نوشداروی پس از مرگ سهراب است و در حقيقت نوعی شکست است نه صلح. وی ادامه داد که يکماه پيش من و شما نمی توانستيم اين بحث را داشته باشيم مسلماً شما بين کافر يا عامل استکبار می‌گفتی! چی شده که حالا يکدفعه حرف از صلحت و نفع اسلام بيان آمده!؟ جمعيت از صحبت - های مرد جوان کاملاً شارژ شده بودند و از اينکه مرد حزب اللهی ريشو کاملاً ناک اوت شده، خوشحال بنظر ميرسيدند. پيرمردی گفت من کار ندارم جنگ برفع اسلام بوده يا به ضرر آن اما من می بينم که قند شده کيلوی ۲۵۰ تومان پس صلح خوبه. جوانی که با لباس کار مکانیکی در صف بود و خیلی با حرارت صحبت ميکرد گفت: زمينه اين صلح از زمانی چيده شد کسه رفسنجانی جانشين فرمانده کل قوا شد، اصلاً رفسنجانی سال گذشته ميخواست با امريکا تيا کتار بياد، ملک فارلين به او قول داده بود که صلح را برداره اما مهدي هاشمی جريانات را فاش کرد و کاسکوزهارا بهم ريخت

## سازمان مجاهدین خلق

## بن بست استراتژیک يك آلترناتیو ارتجاعی

از زمان آخرین دور جنگ شهرها به این سو، سازمان مجاهدین خلق تلاش تبلیغاتی گسترده‌ای را برای موفق جلوه دادن تاکتیکهای خویش و پیروزیهای قریب - الوقوع "ارتش آزادیبخش ایران" آغاز نمود. صفحات نشریات این سازمان با عکسهای رنگین رهبران آن در لباسهای نظامی و زستهای آنچنانی پوشیده شده و "ارتش آزادی بخش" با عناوین پرطمطراق و عوامفریبانه بعنوان ناجی ملت و درهم کوبنده "ارتش خمینی" معرفی می شد و برای محو بی اثر کردن دیگر گروهبندهای اپوزیسیون از آنها دعوت بعمل می آید که اگر مرد جنگ هستند با حفظ استقلال تشکیلاتی و سیاسی خود (!!) در صفوف ارتش مجاهد بچنگند. تلاش برای مرعوب کردن لایمهای اجتماعی که محتاج تکیه به شمشیر يك قیم هستند و دعوت به اینکه بشتابید تا قطار راه نیفتاده سوار شوید و گرنه فردا خود مقصر هستید، شاه بیت تبلیغات ارتجاعی مجاهدین خلق بوده است.

شیوه تبلیغات البته چندان تازه‌نگین ندارد و مجاهدین خلق از زمانیکه استراتژی کسب قدرت بدون توده‌ها، از بالا و با تکیه بر بخشی از بورژوازی امپریالیستی را مبنای کار خود قرار داده است باید هم در تبلیغات از روشهایی استفاده کند که حتی الامکان در بازار سیاست کشورهای بورژوازی خریدار داشته باشد.

ارتش آزادیبخش را باید فرم تازه‌ای از کالاهای تبلیغاتی مجاهدین به حساب آورد. برخلاف آب و رنگ ظاهری آن این ارتش نام تازه‌ای برای ملیشایی ناشی آموزی است که امروز اونیفورم نظامی به تن کرده تا ظاهری جدی بخود گرفته باشد. گرچه ملیشیا در چارچوب برنامه قدیمی خود مفهومی را القا میکرد اما امروز در هیئت "ارتش" حتی اگر به چند توپ ۱۰۵ و تانک چپین هم مجهز باشد کاریکاتوری از يك ارتش آزادیبخش را به نمایش میگذارد. زیرا در يك تعریف ساده از ارتش آزادیبخش و (صرفنظر از استراتژی واقعا آزادیبخش آن) باید مشخصی گردد این ارتش بر کدام نیروی اجتماعی متکی است و از کجا سربازگیری میکند.

نیروهای مسلح يك انقلاب یا بصورت ارتش سرخ کارگری و دهقانی و بنابراین با اتکا به نیروهای اقشار و طبقات انقلابی بوجود می آید و یا دريك جنبش ملی به صورت نیروی مسلح این جنبش - مثلا پیشمرگان خلق کرد - سازمان می یابند. و ما در تجربه کشور خودمان در جریان انقلاب بهمن به روشنی روند ایجاد نیروهای نظامی خلقی را که در مرحله معینی از رشد جنبش توده ای و بعنوان محصول بلافصل آن یا بعرضه وجود میگذارد به چشم دیدیم. در صورتی که رهبری انقلاب بدست نیروهای ارتجاعی نمی افتاد، ارتش خلق از میان توده‌هایی که در خیابانها با ارتش مزدور پهلوی جنگیدند و در روزهای ۲۳ تا ۲۵ بهمن حمله به پادگانها را سازمان دادند شکل می یافت.

بنابراین ادعای ایجاد ارتش آزادیبخش توسط

سازمانی که بدون توده‌ها و علیرغم آنها میخواهد بقدرت برسد به این منظور است که نقش و کارکرد واقعی نیرو های نظامی اش و شرایط ایجاد این نیرو در ایهام باقی بماند. نیروی نظامی مجاهدین برخلاف ناوش، نه متکی به اقشار و طبقات انقلابی و نه اساسا به هدف جنگیدن برای منافع توده‌ها ایجاد شده است، بنابراین مسعود رجوی در اصطلاح کشودن آخرین طلسم انقلاب، یعنی اقدامی که می بایست آخرین آجر در بنای استراتژی مجاهد باشد، بازهم بوق را از سر کشادش به صدا در آورده و بیگانگی مجاهدین را با توده‌ها و با خواسته‌های آنها بیکار دیگر نشان داده است. جوهر قضیه اینست که ارتش آزادیبخش مجاهد در شرایط جنگ بین دو دولت ایران و عراق و بعنوان تابعی از اوضاع این جنگ تشکیل شده و بنابراین چه بلحاظ نظامی و چه از نظر سیاسی وابسته به تحولات نظامی در جبهه‌ها و در رابطه بین دو دولت متخاصم میباشد. این نیرو علیرغم محاسبه سازمان مجاهدین دقیقا به علت اینکه تابع پارامترهایی است که در خارج از اختیار ایجاد کنندگان آن قرار دارند، هرگز نمی‌تواند به اتکا به نیرو و منابع خود و مستقل از پارامترهای فوق به حیات خود ادامه دهد و بنابراین تنها به این درد میخورد که در بازی آلترناتیوها از سوی مجاهدین تضمین های لازم را به بورژوازی بومی و امپریالیزم داده و نگرانی آنها را در مورد خطر جنبش انقلابی تودهای در شرایط بریزش رژیم فقها برطرف کند. کسب قدرت با اتکا به نیروی ضربتی يك ارتش مجهز در وضعیتی که بعلت شکستهای پی در پی رژیم فقها در جنگ، این رژیم در وضعیت هرچه متزلزل تری قرار میگرفت، ظاهرا يك امکان واقعی بود. هیاهوی تبلیغاتی در مورد فتوحات ارتش آزادیبخش و از جمله اشغال پارهای از مناطق مرزی و بنمایش گذاشتن اسرا، اوج قدرت نمائی مجاهدین بود. این تبلیغات میرفت که ظاهرا پایان شکستهای پی در پی مجاهدین - از سال ۶۰ و تشکیل شورای ملی مقاومت، تاقروپاشی قطعی این شورا و تبدیل مجاهدین به يك پلاکارد تبلیغاتی - را اعلام کرده و راهپیمایی از تهران تا تهران را آغاز شده بنمایاند.

در اوج این قدرت نمائی اما مجاهدین موفق به جلب بورژوازی ایران و کسب حمایت فعال امپریالیزم نمی شوند و این اولین ضربه است. در اینجا روشن میشود که دو طرف یعنی مجاهدین و بورژوازی و امپریالیزم، ارزیابی یکسانی از نقش ارتش مجاهد ندارند. برای اولی این ارتش می باید با استفاده از تمام امکانات بسوی قدرت بجهد و برای دومی، نیروی مجاهد تنها در شرایط ناعلاجی که سایر امکانات از دست رفتند، مطرح است. بعلاوه امپریالیزم در ورای تبلیغات مجاهدین در مورد ارتش خود، ارزیابی دقیقی از کارآئی رزمی این ملیشایی مجهز شده به سلاح سنگین دارد و میدانند که هنوز جمهوری اسلامی قوی تر از آن است که باترقصهای

مجاهد از جا کنده شود. مجاهد اما برای اطمینان دادن از مرغوبیت کالای خود تا نزدیکی کرمانشاه به پیش میروند و در آنجا بدون حمایت ارتش عراق، در محاصره ارتش - که به فرمانها و دستورات مسعود و مریم برای تسلیم وقتی نمی دهد - و سپاه، تارومار شده و روبه هزیمت میگذارد. این آخرین تلاش برای در اختیار گرفتن مناطق آزاد شده در جوار مرز عراق نیز شکست میخورد و "ارتش آزادیبخش" سرهم بندی شده مجاهد، بیگانه با مردم و بدون اتکا آنها و حتی بدون حمایت فعال بورژوازی و ارتجاع و صرفا متکی به تداوم يك جنگ، به بن بست رسیده، در مسیر فروپاشی قرار میگردد. تا اینجا روشن شده است که ارتش آزادیبخش مجاهد نه میتواند به جلب حمایت توده‌هایی که گویا قرار است توسط آن آزاد شوند موفق شود و نه در حالت عادی یعنی حالتی که رژیم اسلامی هنوز کاملا ذلیل و زبون نشده باشد، نیروهای بورژوازی ایرانی و بین المللی را به خود جلب کند. بنابه فرضی حتی در حالت اخیر، یعنی وقتیکه مجاهدین به برگ اصلی ارتجاع و امپریالیزم تبدیل شود نیز، دنیا چندان بر وفق مراد نخواهد بود و در این مورد هم رهبران مجاهد اشتباه میکنند زیرا فروپاشی رژیم فقها حتی اگر تحت فشار جنبش تودهای هم صورت نگیرد و نقش عوامل خارجی در آن برجسته باشد، بازهم به خیزش توده‌ها میدان داده و در يك چشم بهم زدن وضعیتی بوجود خواهد آمد که ارتش مجاهد مجبور خواهد شد که از همان آغاز به قدرت دوگانه توده‌ها، به زحمتکشان عاصی، به کارگرانی که امکان تشکل می یابند و به پیشمرگان دلاور خلق کرد دندان نشان دهد. تصور خامی است هرآینه پنداشته شود که در وضعیت طوفانی فروپاشی رژیم خمینی مبارزه طبقاتی منجمد شده و زحمتکشان برای رها شدن منتظر ورود ارتش مجاهد خواهند بود. تجربه انقلاب بهمن نقش عظیم اقدامات مستقل تودهای، ابتکار و نیروی لایزال نشان داد. درسهای گرانقدر انقلاب بهمن و نفس وجود اپوزیسیون چپ، انقلابی و دمکراتیک بعنوان نیروی سازمانگر جنبش تودهای و از همه مهمتر، وزنه سنگین طبقه کارگر، همه و همه در باطل کردن رویای مجاهدین بکار خواهند افتاد. در واقع درست برعکس آنچه که القا میشود، این مجاهد و ارتشش هستند که باید برای فعال شدن امکانات خود منتظر توده‌ها و اقدامات آنها بر علیه رژیم خمینی بمانند و یا اقبال خود را به این و آن عامل خارجی گره بزنند. پس ارتش آزادی بخش مجاهد چیزی بیش از يك ارتش منتظر، يك ارتش تبلیغی برای سرپایستادن و هیاهو کردن نیست. این ارتش صرفنظر از خیالهای خوش رهبران مجاهد، به روشنی بیانگر انزوا و درماندگی مجاهدین و شکستی دیگر برای برنامه‌های این سازمان میباشد و برآستی يك معجزه میتواند شرایطی را فراهم آورد که مجاهدین کمی به هدف خود نزدیک شوند!

## مقدمه بررسی جنبش دانشجویی

### در خارج از کشور

جنبش دانشجویی درخارج از کشور در سالهای اخیر توجه چندانی را به خود جلب ننموده است. این در وهله اول حتی غیرعادی بنظر می آید، خاصه آنکه این مسئله جنبش دارای تاریخچه‌ای طولانی است که با تاریخ مبارزات مردم ما در چند دهه اخیر پیوند محکمی دارد. بنابراین با گذری به این تاریخچه طولانی ضرورت توجه به سازماندهی دانشجویان را یادآوری می‌کنیم.

کودتای ۲۸ مرداد و مهاجرت‌های سیاسی متعاقب آن عملاً بخشی از کادرها و فعالین سازمان‌های سیاسی آن زمان یعنی حزب توده، جبهه ملی و جامعه سوسیالیست را وارد حوزه جدیدی از فعالیت نمود که تا آن زمان چندان شناخته شده نبود. این سازمان‌ها در مهاجرت و در شرایط نسبتاً مساعد اروپای غربی و آمریکای شمالی و پایبندی رشد جمعیت دانشجویان خارج از کشور به‌رور اهمیت مبارزات دمکراتیک را دریافته و فعالیت خود را در میان این دانشجویان، با تاسیس انجمن‌های دانشجویی مجزا و وابسته خود آغاز نمودند که طریقی یک روند این تشکلهای در سطح مناطق و کشورها به یکدیگر پیوسته و بالاخره در سال ۱۹۶۱ در پاریس کنگره نخستین خود و یکسال بعد در لوزان کنگره موسی "کنفدراسیون جهانی دانشجویان و محصلین ایرانی" را تشکیل دادند. کنفدراسیون جهانی دانشجویان و محصلین ایرانی زمانی پا به‌مرصه وجود گذاشت که روند افول احزاب سنتی و تقلیل چشمگیر نفوذ آنها در جامعه ایران شتاب برمی داشت. "انقلاب سفید" به عنوان اقدامی از سوی رژیم سلطنتی که هدف اجرای یک سلسله رفرم‌های اجتماعی را دنبال می‌کرد. از یک سو بن بست احزاب فوق را تشدید نموده و از سوی دیگر خود زمینه رشد شتابان سرمایه‌داری و بنابراین افزایش چشمگیر نیاز به تحصیل‌کردگان و متخصصین را فراهم می‌نمود. رشد سریع کنفدراسیون در چنین شرایطی موجب شد که این سازمان تا حد زیادی عملاً به بر کردن خلأ ناشی از فتور احزاب سنتی بپردازد و به مرور به یک نیروی اپوزیسیون توده‌ای و نیرومند در خارج از کشور تبدیل شود. این تشکل در عین حال بعنوان سازمانی متعلق به دور جدیدی از زرفشهای طبقاتی در ایران خود حامل گرایشات و تمایلات متعددی بود که می‌بایست چند سال بعد در شکل احزاب و سازمان‌های سیاسی جدید و بویژه در هیئت احزاب دموکرات و چپ، عرض اندام کنند. بنابراین کنفدراسیون در روند گسترش خود تا حدودی نقش یک جبهه بزرگ را نیز ایفا می‌کرد که بسیار فراتر از یک تشکل سراسری و صنفی - سیاسی دانشجویان رفته بود. فعال شدن گرایشات مختلف ایدئولوژیک درون کنفدراسیون در معنای دقیقتر چیزی بجز فراکسیون احزابی نبود که هنوز صورت کامل یک حزب را بخود نگرفته بودند. این تشتت بر زمینه اختلافات چین و شوروی و بزرگترین بحران جنبش کمونیستی جهانی صورت گرفت و حامل کم و بیش همه خصوصیات این بحران

بود. شروع مبارزه مسلحانه در ایران روند جدائی این گرایشات را شتاب نوینی داد، و تجزیه کنفدراسیون به چندین سازمان و گرایشات مختلف و تبدیل بسیاری از کادرهای آن به کادرهای جنبش چپ‌رادر خارج از کشور در پی داشت. این سازمانها در آستانه انقلاب بهمن و پس از آن تحت عنوان انجمن‌های دانشجویی هوادار سازمان‌های سیاسی مشخص و نه حتی هواداری از یک طیف احزاب و گروه‌بندی‌های سیاسی عمل می‌کردند و وجودشان پایان یکدوره از مبارزات دانشجویی درخارج از کشور را اعلام می‌داشت. تاریخ چند ساله پس از انقلاب نیز با تشدید همین روند و قوام گرفتن بیشتر تشکلهای هواداری و انحلال سازمان‌های سراسری توده‌ای منجمت‌شکل - های دانشجویی مشخص می‌گردد. از این رو آنچه امروز بنام انجمن‌های دانشجویی خوانده میشود به معنای دقیق کلمه نه یک تشکل هواداری دانشجویی که بیشتر تشکل هواداری بطور عام است که بعنوان انجمن دانشجویی فاقد هرگونه هویت اجتماعی است.

تشدید روند تجزیه دانشجویان به گروه‌بندی‌های هواداری پس از انقلاب در حالی صورت می‌گیرد که خارج از کشور میزبان نسل تازه‌ای از جوانان ایرانی است که غالبشان در تلاش راهیابی به دانشگاهها هستند. این نسل جدید بافت تازه‌ای به جنبش دانشجویی می‌بخشد و زمینه اجتماعی نویی برای شکل‌گیری جنبش دانشجویی فراهم می‌آورد، جنبشی که براساس هویت دانشجویی شکل گرفته و فعالیت می‌کند.

نسل جدید دانشجویان در خارج از کشور عمدتاً از دو گروه اصلی تشکیل شده است. گروه اول دربرگیرنده انبوه مهاجرین سیاسی است که مشغول تحصیل شده و بلحاظ موقعیت اجتماعی و موضع سیاسی در مخالفت با رژیم جمهوری اسلامی قرار دارند و گروه دوم دانشجویانی را دربرمی‌گیرد که بطور قانونی از ایران خارج شده و با حمایت مالی خانواده خود به تحصیل اشتغال یافته و علیرغم اینکه اکثر آنها با رژیم اسلامی مخالفند، بخاطر ترس از حساسی‌های رژیم هنگام بازگشت، حاضر به فعالیت‌های سیاسی تند و علنی نیستند. در بسیاری از فعالین گروه اول سرخوردگی نسبت به فعالیت سیاسی و افتشاش نظری وجود دارد که آنها را به نحو افراطی به تحصیل و بی میلی به کار سیاسی جمعی و انفرادی مشغول روشنفرانه سوق داده است. این گرایش اما هنوز به صورت سیاست‌گریزی تعمیق نیافته و در صورت اتخاذ خط مشی درست از سوی سازمان‌های انقلابی میتواند معکوس شده و در شرایط اوجگیری مبارزات توده‌ای در ایران کاملاً منزوی شود.

علاوه بر ملاحظات فوق باید توجه داشت که وضعیت دانشجویان ایرانی در هر کشور دارای ویژگی‌های مربوط به خود است و از این رو در سازمان دادن دانشجویان و تعیین شعارهای مبارزاتی آنها میبایست به این ویژگیها توجه نمود.

با توجه به آنچه که گفته شد، تعیین مهمترین

شعارها و اهداف جنبش دانشجویی در وضعیت فعلی دارای اهمیت کلیدی است. دانشجویان ایرانی در خارج از کشور دارای درخواستهای صنفی و سیاسی ویژه خود هستند که آنها را میتوان بصورت زیر دسته بندی نمود:

- خواسته‌های اصلی صنفی نظیر لغو محدودیتهای مربوط به پذیرش، دریافت وام تحصیلی بلاعوض، تسهیلات اخذ ویزا برای خانواده‌ها و ...

- دفاع از خواسته‌ها و مبارزات دانشجویی در ایران، دفاع از درخواستهای دموکراتیک و مبارزات توده‌ای و افشاگری برعلیه جمهوری اسلامی و یاری رساندن به اپوزیسیون دموکراتیک و انقلابی ایران در افشای هرچه گسترده‌تر ماهیت رژیم.

- خواسته‌های اعم دانشجویی که در کشورهای مختلف متفاوت بوده و برای تحقق آنها می‌بایست در تشکلهای و فعالیتهای عموم دانشجویان شرکت کرده و حول آنها مبارزه نمود.

بی شک از جمله وظایف مهم هر نوع تشکل دانشجویی در خارج از کشور ایجاد ارتباط با مجامع دانشجویان سایر ملل و گسترش فعالیت در این زمینه و شرکت در مجامع بین المللی دانشجویی است که راه پیشبرد اهداف و خواسته‌های نامبرده را نیز می‌کشد.

از میان خواسته‌های فوق، خواسته‌های سیاسی دارای اهمیت و افری در مبارزه برعلیه رژیم اسلامی در ایران است، اما این خواسته‌ها الزاماً دارای قدرت بسیج‌کننده نبوده و غالباً محل سازمان دادن دانشجویان نیستند. سازمان دادن دانشجویان با توجه دادن آنها به خواسته‌های صنفی و گردآوری آنها در محافل و هسته‌هایی که در ابتدا برای این خواسته‌ها بوجود می‌آیند با سهولت بیشتری صورت می‌گیرد. اینگونه تشکلهای دانشجویی اولیه که در سطح یک موسسه علمی و یا حتی بخشی از آن میتوانند ایجاد شود میبایست با سرعت به فعالیتهای فرهنگی از جمله تاسیس کتابخانه، بپردازد و به مرور دامنه فعالیتهای صنفی و فرهنگی خود را گسترش دهد. با توجه به سطح نازل کتونی فعالیتهای اجتماعی دانشجویان، بدیهی است نمی‌توان از امکان شکل‌گیری اتحادیه‌های دانشجویی صحبت کرد. ولی تشکل‌ها و هسته‌های نخستین چنین اتحادیه‌هایی را از هم اکنون میتوان پایه ریزی کرد. این هسته‌های اولیه امکانات مادی موجود را گرد خواهد آورد و شرایط را برای شکلگیری اتحادیه‌ها فراهم خواهد ساخت. تشکل این اتحادیه‌ها هدف بلند مدت ماست که در این راه می‌بایست با خلاقیت از همه امکانات موجود و تمامی محمل‌های گردآوری دانشجویان استفاده نمود. جنبش دانشجویی در خارج از کشور برای رشد و گسترش خود محتاج کار صبورانه و هدفمندی است که با شناخت مختصات کتونی آن و توجه اکید به خواسته‌های کتونی و همه امکانات موجود مشخص میشود. ما همه فعالین دانشجویی در خارج از کشور را به بحث و تبادل نظر در این مورد و همکاری در راه شکل دادن به یک جنبش نیرومند دانشجویی دعوت می‌کنیم.

## طرحهای معتدل برای انقلاب فلسطین

ادامه از صفحه ۲

گزارشی از نظرات مردم در مورد ...

اونائی که توی این شرایط تا تونستند مردم را چاپبندند، مرد سن دیگری حرف جوان را قطع کرده و گفت نخبر! شما اشتباه میکنید، روسیاهی به اونا نموند، برای اونا دسته، دسته اسکناس موند، روسیاهی موند به آتش بیار معرکه! روسیاهی موند به يك مشت هیزم جمع کن نفهم! روسیاهی موند به اونائی که ندانسته این بدبختی را برای مردم پیش آوردند! پس از چند لحظه سکوت و پچ و پچ خفیف که ناشی از صحبتای رُک و شاید قلمبه و سلمبه پیرمرد برای جمع بود، دوباره همه صفا را فراگرفت.

روز بعد، محل کار جنب و جوش و حالت عجیبی حاکم بود، کارگران با اکراه لباس خود را تعویض کرده و لباس کار میپوشیدند. بنظر می آمد همه منتظر حوادث و وقایع آینده هستند، همه بهم تبریک میگفتند و از یکدیگر طلب شیرینی میکردند. دوستی میگفت دیشب چهره رفسنجانی را دیدید! انگار جسدش پشت دوربین تلویزیون بود، به حالت تشویش و دلبره ناشت و ادامه میداد که ترس از عواقب این صلح و مخالفت خوبها او را دچار سرگیجه کرده بود، با بهت و حیرت به سوال خبرنگاران پاسخ میداد، دیگری گفت به چه منم! مگه سر مسئله جنگ با هم دعوا نداشتند حالا بنار برای صلح هم تو سرو کله هم بزنند و ادامه میداد که نگفتم سرنوشتی هواپیما تاوان صلح است و همه این برنامهها با توافق قلبی صورت گرفته، اکبر شاه اصلا ماموریت داشته که صحبتای ناتمامش را با طک فالرین تموم کنه و کرد اما به چه قیحتی هنوز معلوم نیست، کارگر دیگری میگفت قرار بزودی سیاه در ارتش اقدام بشه و کمیته یا قاطی شهربانی خواهد شد و یا کلا منحلش می کنند، بسیجیها که ول معطلند همین حالا خیلی هاشون گفتند که برین خونهها تون فعلا احتیاجی به شمس نداریم!

دوست دیگری میگفت میگوین محسن رضائی شدیدا مخالفت کرده و گفته تا خود خمینی صلح را اعلام نگه ما قبول نداریم و ادامه میداد که بچهها من دو تا پیراهن دوختهام یکی مشکی و یکی آبی قراره پیراهن مشکی را در مرگ خمینی بیوشم اون در حال نکرات است و حال اینکه صلح را اعلام کنه نزاره. چند نفری به او اعتراض کرده و با شوخی گفتند، ای بیچاره برای اون پیرسگ میخوای مشکی بیوشی!؟ دوستی که تازه از راه رسیده بود گفت همه شرکتها دارن شیرینی میدن دم در نگهبانی شون شیرینی گذاشتند بیاید ما خودمون پول جمع کرده شیرینی بخریم و ادامه میداد هر چند صلح با این افتتاح شیرینی نداره اما چون حال جنگ طلب ها رو گرفته و خواست بیشتر کارگرا بوده باید بکسوری چشمشون اینکار رو بکنیم که در مجموع مورد موافقت جمع قرار نگرقت و همه آترا به بعد موکول کردند. اینطور بنظر میرسید که منتظر خبرهای ناخ و بهتری هستند تا شیرینی کاملا بهشون بچسبه.

ادامه دارد

چاپ رسید. مقالای که توفانی از مخالفت در جناح راست دولت صهیونیستی بیا کرد چراکه آنها حتی يك سانتیمتر از مناطق اشغالی را هم قابل مذاکره نمی دانند! اما در همان حال این طرح که با "ظرافت واقع بینانای" همراه است از جانب جناح چپ ساف نیز مردود شناخته شد. دلیل آنهم روشن است: این طرح نیز براساس نادیده گرفتن حق تعیین سرنوشت خلق فلسطین، و تنها برای حفاظت از مرزهای قبل از سال ۱۹۶۷ اسرائیل عنوان شده است. درواقع این طرح پلاتفرمی است که برای خلع سلاح کردن انقلاب فلسطین در ازای تکمیل برای خاک تهیه گردیده است. انحلال ساف، غیرنظامی اعلام کردن "دولت فلسطین" بعلاوه دشمن تا دندان مسلح که از بکاربردن هیچگونه وحشی گری تروریستی برای "تأمین مرزهای امن" خودداری نمی کند، بمشابه انداختن میش به محاصره شیرهای گرسنه است. اما از جانب دیگر این طرح مشاهیر و ویراکراتهای "الفتح" راهم نوازش میدهد. همانهایی که به زندگی بمشابه "دیپلماتهای فلسطین" و جایگزین کردن دیپلماسی بجای مبارزه انقلابی عادت کردهاند. چشم انداز يك دولت که از جانب تعداد قابل توجهی از دول به رسمیت شناخته شود برای این قشر بیروکرات که پیوندهای تنگاتنگی با بورژوازی مهاجر فلسطینی و دول ارتجاعی عرب نظیر عربستان سعودی دارند، خیلی خوشایند است. در حقیقت امر نیز قیام در مناطق اشغالی به میزان زیادی زندگی آرام اینان را برهم زد! موج انقلاب نه فقط دشمن صهیونیستی بلکه جناح راست جنبش فلسطین را نیز آشفته خاطر کرد. در چنین شرایطی هم جهتی معین میان "صهیونیستهای معتدل" و "جناح راست ساف" پدید آمده است. هر دو "افراطیون" خودی را طرد کرده و بر اصل "مذاکره برای صلح" توافق دارند. اما اگر این امر از جانب صهیونیستهای "عاقلی" که جنبش فلسطین نگرانان کرده و از اینرو حاضر به دادن خرده امتیازاتی هستند، کاملا "مقول" و "منطقی" با استراتژی آنان یعنی "زمین در مقابل صلح" میباشد، موضع جناح راست ساف خنجر آشکاری بر پشت نهضت فلسطین است. این موضع درست در قبال منافع و اهداف خیزش کنونی خلق فلسطین قرار ندارد. قیام جاری خواسته خود را نه اجرای قطعنامه های سازمان ملل که در آن مشکل خلق فلسطین به ساله "آوارگان" تقلیل داده شده بلکه ادامه انقلاب، گسترش سازماندهی تودمائی بمنظور تحقق حق تعیین سرنوشت خلق فلسطین است. "دولت کوچک" یا مصالحه بر سر مرزها پاسخگوی خواسته بحق خلق فلسطین نیست. ادامه انقلاب تا پیروزی و برقراری يك دولت دمکراتیک فلسطینی که در آن خلقهای عرب و یهود با یکدیگر زندگی خواهند کرد و در آن جایی برای صهیونیسم اشغالگر وجود ندارد اینست پیام قیام خلق فلسطین. هر چیزی جز این معنائی جز بازی در چارچوب طرحهای امپریالیستی و بازگشت به همان پلاتفرم کذائی کمپ دیوید ندارد، طرحی که قیام کنونی خلق فلسطین بر ویرانههای آن بنا شده است. شعار امروز جنبش انقلابی فلسطین در خارج از فلسطین تنها يك چیز است: با تمام قوا در خدمت بکارگرفتن ساف برای تدارکات، سازماندهی و هدایت قیام خلق فلسطین. وظیفه همه دوستان واقعی انقلاب فلسطین یاری رساندن به این هدف و اشنای طرحهای امپریالیستی در سطح افکار عمومی جهانی است.

بی تردید قیام دلاورانه خلق فلسطین در مناطق اشغالی غرب رود اردن و نوار غزه معادلات سیاسی این منطقه را برای همیشه برهم زده است. آغاز قیام و تداوم آن محافل صهیونیستی و ارتجاع عرب، هر دو را، فالفگیر و هراسان کرد. حال که پس از نه ماه تظاهرات و درگیریهای مناوم و تلیرغم اعلامیههای "پایان کار" فرماندهی نظامی ارتش اشغالگر، همه به تداوم و تعمیق این جنبش دلاورانه اذعان دارند، مباحثه بر سر استراتژی آتی جنبش فلسطین با حدت تمام درگیر شده است. اعلام "صرف نظر" کردن ملک حسین اردنی از "حاکمیت موروثی" ادعائی خود، تا آنجا که مربوط به مناطق اشغالی همجوار اردن میگردد، به ضرورت اتخاذ يك خط مشی روشن و پاسخگوئی به مسائلی که در اثر این اقدام در دستور روز قرار گرفتند، فوریت ویژه ای داد. در حقیقت امر این کارگیری ملک حسین يك پیروزی بزرگ برای خلقی بود که هرگز "حاکمیت" ارتجاع هاشمی را نپذیرفت. "ارثیه" اهدائی امپریالیسم انگلیس از همان زمان "قرارداد بالفور" از جانب خلق فلسطین طرد شده بود. اما نقشه های ارتجاع هاشمی برای "اردن بزرگ" به مدت طولانی از جانب صهیونیسم و امپریالیسم برای "قیصله دادن" به "ماجرای فلسطین" و "طرح باصطلاح" "فدراسیون اردنی - فلسطینی" تحت حاکمیت خاندان هاشمی، مورد استفاده قرار گرفت. امپریالیسم متحدان بیویش بدین طریق حق تعیین سرنوشت خلق فلسطین را بکلی نادیده گرفته و مسئله را به "مشکلی در مناسبات با اردن" کاهش میدادند. اوج این استراتژی خود را در طرح کمپ دیوید و "اعطای خودمختاری محدود" در چارچوب اقتدار ارتجاع هاشمی نشان داد. امروزه اما با عقب نشینی طک حسین که توسط وسعت و عظمت قیام مناطق اشغالی به او تحمیل شد، اینگونه "راه حل" های امپریالیستی دچار بحران جدی شدهاند. شکست پایایی ماموریتهای جورج شولتز در منطقه بهترین شاهد این مدعا هستند. زیربنا گذاشتن آشکار حق تعیین سر - نوشت خلق فلسطین و دفاع بدون قید و شرط از مرزهای پس از جنگ ۱۹۶۷ اسرائیل، دو محور اصلی این ماموریتها را تشکیل میدادند. حال با تغییر توازن قوا و برآمد مستقل خلق فلسطین، محافل امپریالیستی به شرکدهای "واقع بینانترتی" توسل جستند و در سایه شکست خط مشی سرسختانه انکار هرتووع حقوقی برای خلق فلسطین، "جناح معتدلیون" بابرگ جدیدی به میدان آمدند و آن "تشویق" سازمان آزادی بخش فلسطین (ساف) به شناسائی اسرائیل و "مذاکره" برای تعیین مرزهای دو کشور، بین اسرائیل و فلسطین است. مقدمه این اقدام نیز اعلام استقلال و تشکیل دولت موقت در تبعید است. سپس، طبق این سناریو که توسط "انستیتیوی مطالعات فلسفی و سیاست عمومی" دانشگاه بریلند (مرکزی که نزدیکی زیادی به محافل دمکرات و "صهیونیستهای معتدل" دارد) تهیه شده است. این دولت خود را "غیرنظامی" اعلام خواهد کرد، پس از آن ساف خود را منحل کرده و با به رسمیت شناختن اسرائیل وارد مذاکره با دولت صهیونیستی خواهد شد تا تشکیل این دولت در نوار غزه و ساحل غربی رود اردن و احیاناً مناطق دیگر تحت اشغال از جانب اسرائیل رسمیت بیابد. این طرح در متن مقالای عنوان شده که "نشریه" القدس، که در اورشلیم شرقی منتشر میشود، به

با پیام کارگر همکاری کنید!

جدول تفکیکی تعداد آراء و نوا به ترتیب اولویت

ردیف	نام و نام خانوادگی	نام و نام خانوادگی آراء	مجموع آراء	مراکز	محل
۱	علی البرزایی	فردوسی	۲۳۸	۲۱۵	۵
۲	حسن ابراهیم حسینی	دانشجوی	۲۱۲	۲۱۶	۱۲
۳	محمد عریضی	پست و تلگراف و پست	۲۱۲	۱۱۰	۷
۴	مسعود موسوی رستمی	فرهنگ و ورزش	۲۰۹	۱۹۲	۱۶
۵	مسعود مایه‌تختی	مخاطبات و مطبوعات	۲۰۱	۱۸۶	۲۳
۶	مسعود عریضی	فرهنگ و ورزش	۲۰۱	۱۷۶	۱۲
۷	مسعود موسوی رستمی	فرهنگ و ورزش	۲۰۰	۱۷۵	۲۲
۸	سید محمد حسینی	فرهنگ و ورزش	۲۱۷	۱۷۵	۱۵
۹	محمد حسینی	فرهنگ و ورزش	۲۱۵	۱۶۶	۱۶
۱۰	علیرضا آقاوند	پست	۲۱۲	۱۹۲	۱۷
۱۱	مصطفی حسینی	اطلاعات	۲۱۳	۱۵۲	۲۳
۱۲	محمد حسن حسینی	صنایع	۲۴۴	۱۳۸	۳۷
۱۳	علیرضا شامی	صنایع	۲۲۲	۱۳۳	۲۱
۱۴	ابراهیم سرمدی	کتابخانه و اسناد	۲۲۲	۱۳۳	۱۶
۱۵	علی اکبر حسینی	کشور	۲۱۵	۱۳۳	۶
۱۶	بهزاد سوری	صنایع سنگی	۲۱۲	۱۳۸	۱۷
۱۷	میرزا علی کارزوی	سنگری و راه‌سازی	۲۱۵	۱۱۷	۲۱
۱۸	علیرضا سامعی	پهنانیت، فرهنگ و آموزش پرورش	۲۱۳	۱۲۲	۱۱
۱۹	مسعود رفیعی	سپه	۲۱۳	۱۲۰	۲۷
۲۰	عاشق زلفی	کشور	۲۲۶	۱۰۸	۳۰
۲۱	سید کاظم کریمی	آموزش و پرورش	۲۱۲	۹۸	۱۵

المپیک ۸۸ و افلاس جمهوری اسلامی

بیستم شهریور ماه پس از دو دوره غیبت ورزشی-کاران ایرانی در المپیکهای مسکو و لوس آنجلس، کاروان ورزشی جمهوری اسلامی برای شرکت در بیستم و چهارمین دوره بازیهای المپیک ۱۹۸۸ ستول تازم کره جنوبی شده. از همان ۵۷ نفری که تازم ستول شدند فقط ۲۷ نفر را ورزشکاران تشکیل میدادند. از ۳۰ نفر باقیمانده نیز ۱۳ نفر مری و سرپرست هستند. ۱۷ نفر دیگر کسانی هستند که طبق نوشته گیان هوایی ۳۰ شهریور در کنگرهها شرکت خواهند کرد و یا کارهای اداری و فنی را برقرار خواهند نمود. درین هیات اعزامی چه ورزشکار و چه مری و غیره خبری از حضور زنان نیست. جمهوری اسلامی پس از تلاشهای فراوان و مشك برای رعایت حجاب اسلامی زنان در ورزش - که احتیاج به تحرک و چالاکي و لباسهای ویژه نارد - ناکام مانده و بکلی نصف جامعه را از شرکت در میدانی ورزشی محروم نموده است. مخالفت رژیم ارتجاعی و پوسیده جمهوری اسلامی با زنان تا آنجاست که در رژه روز افتتاح بازیهای المپیک در مقل چشمان همه دنیا برعکس هیاتهای ورزشی سایر کشورها که توسط دختران کرناي هدایت میشدند، تیم ایران توسط يك مرد کرناي هدایت میشد تا بدینوسیله ارزشهای معنوی و ارتجاعی اسلام از اینک مردان دنبال زنان راه بیفتند، به خطر نیفتند!

رژیم جمهوری اسلامی همچون سایر حوزنهای زندگی جامعه ما حوزه ورزش را هم به فلاکت و افلاس کشانده است. صدها هزار جوان و نوجوان ایرانی بجای آموزش، سلامت، شادابی و زیبایی تسن و روان در میدانی ورزشی، چه دختر و چه پسر، تازم جبهه‌های کشتار جنگی نقا شدند.

وقتی خیزی جلال پیشوای تبهکاران اسلامی جنگ را نعمت خدادادی دانسته و ورزش را در شترسواری و تیروگان خلاصه کد، حاصلی غیر از این برای سلامت بقیه در صفحه ۱۳

فروش گوشت آلوده به مردم

شور بود که هادی غفاری نیز صدایش بلند شده که "اینها کسانی را که به کار تدارکات غذایی جنگ و جبهه گماشته اند، میکروب و انگل را تابه چشم خود نبینند باور نمی‌کند".

وزارت بهداشت جمهوری اسلامی آنطور که برمی‌آید در اینکار کم سابقه نباید باشد چرا که در مواردی دیگر "تعاون این وزارت، مرغ و تخم مرغ فاسد را که بوی آن تمام محیط را پوشانده، از فروشگاه تعاونی نیروی دریایی به پاسداران بیچاره و مردم میفروشد"

برای جمهوری اسلامی آنچه ارزش ندارد جان انسانهاست و در این زمینه آنان حتی به حواریون خویش نیز رحم نمی‌کنند. فروش مرغ فاسد به افراد سیاه و خوراندن گوشت انگل نار به بسیجیان، تازه دو نمونه کوچک در اینمورد هستند.

● در جریان گرفتن رای اعتماد اعضا دولت از مجلس هادی غفاری مطرح نمود که "اینها (وزارت بهداشت) انواع مواد شیمیایی را تحت عنوان تحقیقات روی گوسفندان آزمایش میکنند و کی بعد گوسفندان مریض را بعنوان اینکه خوب شدند به مردم فروختند، بدون اینکه نگران بیماری و آلودگی مردم باشند". حال مسئولین رژیم مواد شیمیایی را برای چه آزمایشی روی گوسفندان آزمایش میکنند، خود بحث جداگانه‌ای است. هادی غفاری در قسمتی دیگر از حرفهایش به مورد دیگری اشاره میکند و آن اینکه "دیگری گوشت آلوده به انگل گاو را کبوزارت بهداشت پس از بازدید صرف آنرا ممنوع اعلام کرده است، به بهانه اینکه خوش رنگ است و ظاهرا خوب است و میکروب را نمی‌بینند به خورد بچه‌های بسیجی دادند". نقا چون میکروب را نمی‌بینند پس خوردن آنرا حلال دانند. آئی در این زمینه آنقدر

مواد شیمیایی هدیه رژیم به شهروندان تهرانی

مورد نظر تاجحال "چندیار دچار آتش سوزی شکه نه گزارشی به سم مسئولین رسیده و نه اهمیتی به اظهارات کارگران و نیروهای مسئول نگهداری آنها داده شده است". یعنی برطبق این گفتهها تاکنون دربی چند آتش سوزی در محل مذکور، چندین بار سموم شیمیایی بر سطح آسمان شهر تهران گسترش یافتند و مردم بیچاره همراه هوا گزهای مذکور را نیز به داخل ریه‌های خویش کشانند و رژیم نیز بعلت وحشت از مردم از انعکاس خبر خودداری نموده است. دربی همین حرفها در مجلس همچنین افشا میگردد که رژیم در جنگ با عراق از گاز خردل نیز استفاده میکرده است. برای نمونه کارگران انبار مذکور "اشتباهاً به جای اسید کلریدریک برای یکی از توالتهای يك ساختمان از گاز خردل استفاده کردند، یعنی دستوشی را با گاز خردل شستند که يك نفر تلف و چند نفر مجروح شدند". (نقل قولها از جریان بحثهای مجلس برای اخذ رای اعتماد به دولت میباشد)

و بدین طریق دم خروشان نیز بیون می‌آید و صفحاتی دیگر بر تاریخ ننگین این جانیان افزود می‌گردد.

● این روزها رژیم جمهوری اسلامی استفاده دولت عراق از مواد شیمیایی را بهانه‌ای برای سرپوش گذاشتن به جنایات خویش قرار داده است و بدین وسیله میخواهد افکار جهانی را به "مظلومیت" خویش جلب نماید. این مظلوم‌نمائی رژیم در حالی صورت میگیرد که در مجلس نه تنها به خرید مواد شیمیایی اشاره میشود بلکه صحبت از آزمایش آنها بر روی گوسفندان می‌رود. در همین رابطه یکی از نمایندگان مطرح کرد که "اینها (منظور از اینها وزارت صنایع میباشد) وقتی به هزار زحمت تعدادی مواد شیمیایی تهیه کردند" با آوردن چند نقطه گوینده نخواستند صحبتی از بمب شیمیایی بمیان آورد ولی هر خواننده‌ای میتواند حدس بزند که این "تعدادی" چیزی جز بمب های شیمیایی نباید باشد و تازه این خرید يك طرف قضیه است در سوی دیگر "بدون در نظر گرفتن مبانی حفاظتی و نکات ایمنی آن را در نقطهای نزدیک شهر تهران انبار کردند که اگر تصادفا اتفاق برای این مواد رخ میداد، نقطه مورد نظر جانی انتخاب شده بود که باد سموم شیمیایی را تماما به نقاط پرجمعیت شهر تهران می‌آورد" البته سخنران غافل از این بود که نقطه

ایران از نگاه آمار

● در سال تحصیلی ۶۷ - ۶۶، ۱۲ میلیون و ۱۱ هزار و صد و شش دانش آموز در ایران مشغول تحصیل بودند. این تعداد در هفتاد و دوهزار و سی واحد آموزشی که ۵۲۱۱۴ تائی آن در روستاها بودند، درس میخوانند. در همین سال تعداد کادر آموزشی ایران ۶۵۸۳۶۶ نفر بود.

— از ۱۶۸ هزار دانشجوئی که در سال تحصیلی ۶۶ - ۱۳۶۵ در دانشگاهها و موسسات آموزش عالی به تحصیل مشغول بودند، ۳۸ هزار نفر در رشته‌های وابسته به پزشکی، ۸ هزار نفر در کشاورزی، شیلات و جنگلداری، ۳ هزار نفر در حقوق، ۴۳ هزار نفر در امور مهندسی و بقیه در سایر رشتهها اشتغال به تحصیل داشتند.

— تعداد کتب منتشر شده در سال ۱۳۶۵ درکل کشور ۲،۸۱۲ عنوان در تیراژ ۲۸/۱۱۲ نسخه بود که شامل ۲۵۹۳ تالیف، ۱۰۳ عنوان ترجمه و ۱۴۳ چاپ از نسخه اصلی میباشد.

— در سال ۱۳۶۵ هزینه‌های خوراکي و غیرخوراکي سالانه يك خانوار روستائی حدود ۷۶۲ هزار ریال بود که از این مقدار حدود ۴۲۷ هزار ریال هزینه‌های خوراکي و دخانیات و ۲۳۵ هزار ریال غیرخوراکي بود. در همین سال هزینه يك خانوار شهری ۱۳۱۵ ریال بود که از آن ۵۴۷ هزار ریال هزینه خوراکي و دخانیات و ۷۶۸ ریال غیرخوراکي بود.

● در سال تحصیلی ۶۷ - ۶۶، ۱۲ میلیون و ۱۱ هزار و صد و شش دانش آموز در ایران مشغول تحصیل بودند. این تعداد در هفتاد و دوهزار و سی واحد آموزشی که ۵۲۱۱۴ تائی آن در روستاها بودند، درس میخوانند. در همین سال تعداد کادر آموزشی ایران ۶۵۸۳۶۶ نفر بود.

— از ۱۶۸ هزار دانشجوئی که در سال تحصیلی ۶۶ - ۱۳۶۵ در دانشگاهها و موسسات آموزش عالی به تحصیل مشغول بودند، ۳۸ هزار نفر در رشته‌های وابسته به پزشکی، ۸ هزار نفر در کشاورزی، شیلات و جنگلداری، ۳ هزار نفر در حقوق، ۴۳ هزار نفر در امور مهندسی و بقیه در سایر رشتهها اشتغال به تحصیل داشتند.



## سینما در چنبره نبوغ فقها

این نیز بسنده نمی‌کند و اصلاً بلائی بر سر فیلم می‌آورد که حتی آنرا از محتوی اصلی‌اش بدور میکند. برای نمونه بنابه اقرار خودی، فیلم شمشیرماتوس را در نظریه‌گیری. من ترجمه اصلی فیلم را می‌آورم با دوبله‌اش مقایسه کنید ببینید دیالوگ این فیلم چی هست و در دوبله چی در آمده. من مقداری از این فیلم را جمع و جور کردم. هم مسیحیت را نفی کرده بود و هم بت پرستی را و درکل یک فیلم ضد مذهبی بود. من اینها را حذف کردم و جلوی زنگ بازی و فرصت طلایی فیلساز را گرفتم. بیش از پنج برده از فیلم را حذف کردم."

واقعا باید به این نبوغ اسلامی تبریک گفت. باوجود آقای قنبری دیگر معلوم نیست چرا جمهوری اسلامی در سری بنام فیلم و بازیگر و سینما در ایران را تحمل کند. آقای قنبری و دستیاران با وجود این تفاسیل براحتمی می‌توانند فیلمهای خارجی را برداشته، هر گونه دیالوگی (بنابه اقرار خودشان در فیلم شمشیرماتوس) که خویش و مراجع تقلیدشان صلاح میدانند بریزان بازیگر بیچاره از دنیا بی خبر بگذارند. آتوقت راحت میشود دنیا را هم مسلمان کرد! از این نبوغ اسلامی است که هنر اسلامی تراوش میکند! و بیچاره هنری که در چنبر این نبوغ گرفتار آید.

مارکسیستی نداشت. چنین فیلمی را نمیشود مستقیماً دوبله کرد و به ارشاد برد. من سعی کردم زهر این فیلم را چه از نظر قصه و چه تصویر بگیرم ولی بعضی از فیلمها را نمیشود گارش کرد. من در مورد بعضی از فیلمهای تاریخی، حداکثر سعی میکنم با تحقیق، تحریفهای فیلساز را درآورم. الان فیلمی داریم به نام مختار سردار سپاه ارمنستان و ماجرای اولین قتل عام ارمنه توسط عثمانیان است. فیلم را روسها ساختند. ما طی مطالعاتی متوجه شدیم که اینها تاریخ را به کلی تحریف کرده‌اند. من تاریخ ارمنستان را مطالعه کردم و با بسیاری از کسانی که در این تاریخ مطالعه داشتند صحبت کردم و همه را روی کاغذ آوردم. سازمان فیلم را از نو بهم ریختم. قیچی کردم. گفتارش را براساس کتاب تاریخ ارمنستان نوشتم. مونتاژ کردم و فیلمی شد که بر اساس تحقیق شکل گرفت. وقتی ارمنه ایران راستودیو فیلم را دیدند آنرا تحسین کردند. از این تحریفها در فیلمهای خارجی زیاد است."

خلاصه اینکه آقای قنبری بعنوان فیلساز، مورخ، سناریست، دوبلور، نقاد، سانسورچی و... وارد عمل می‌شود و بر سر فیلم آن می‌آورد که خوانندید و تازه به

همانطور که طی چند شماره اخیر "پیام کارگر" آوردیم، هنر وضعیت بفرنجی را در جمهوری اسلامی متحمل است. فقها هم میخواهند آنرا نیز به زیر مهیب خویش درآورند و هم از آن وحشت دارند. آنجاکه به زعم خویش رنگ اسلام را بر تن هنر کردند، چیزی جز ریشخند و تمسخر از جانب خلق نصیبشان نشده است. در بین رشتههای هنری، فیلم در اینمورد جایگاه ویژه‌ای ندارد. جمهوری اسلامی نه تنها فیلسازان ایرانی و فیلم ایرانی را میخواند در چهاردیواری تنگ خویش اسیر سازد، بلکه به زور قیچی توضیح المسائل و رسالهها به جان فیلمهای خارجی می‌افتد تا به زعم خویش آنها را "اسلامی" گرداند. برای روشنتر شدن مسئله نگاهی کوتاه به صاحبه محمود قنبری ازسینه چاکان رژیم در عرصه فیلم به نقل از مجله فیلم شماره بیست و شش می‌اندازیم:

"من وجدانا در مورد فیلمهایی که بنوعی دست خوش تغییر شده ناراحت نیستم. چون به تصدیق خیلی ها بهتر شده. یکسری مسائلی در بعضی ازفیلمهای خارجی هست؛ که شما اگر عینا فیلم را دوبله کنید، در شورا رد میشود. مثلاً من چندی پیش فیلمی را به نام مردم در باتلاق دوبله کردم که زیربنای

## جمهوری اسلامی حکومت دزدان

— گاردگان ایشان (وزیر کشور) دراستانها بنزین را غیرقانونی میفرشند، آهن دهن می‌کنند... آهن به نورچشمی های خود برخلاف مقررات دادند" و یا بسه "عنوان نمونه مدیرکل آموزش و پرورش استان بزد را میتوان نام برد که... خلافکاریهایش به دادگاه کشیده و به دوسال زندان محکوم شدند" (بیت اله جعفری کیهان ۲۱ شهریور)

— توسط وزارت صنایع "اجازه توزیع دو میلیون بسته لائی وارداتی که با ارز دولتی وارد شده و بوسیله شرکت ایران ترساز در بازار آزاد به قیمت آزاد هر ورق تا ۱۴۰۰ تومان فروخته شد"، "اجازه تشکیل کمیته توزیع نخ و سواستفادهای چند صد میلیونی..." و یا اینکه "فروش ارز ریالی به شرکتهای تجاری در سال ۶۴ و ۶۵ توسط مدیر عامل محترم (وزارت صنایع) گزارش بازرسان سازمان صنایع ملی از سواستفاده کلان مالی مدیران زده بالای وزارتخانه در سال ۶۲ و ۶۶" و یا "سواستفاده — های کلان مالی در شرکت پارس الکتریک که پروندهاش هنوز مطرح است" (از حرفهای هادی غفاری — کیهان ۲۱ شهریور)

است" (هاشم حجازی کیهان ۲۱ شهریور)  
— "مثلاً بانام آقای جلالی، بخشدار "سیه چشمه" یروفیل و تیرآهن "سیه چشمه" را به شرکتهای خصوصی فروختناست" و یا "عدمای تحت نظارت استاندار حدود صدتن تیرآهن را از نوب آهن اصفهان به ارومیه آورده و در چهار روستا در زیرزمین مخفی کردند" تا روز مناسب به فروش برسانند (هاشم حجازی کیهان ۲۱ شهریور)

همانطور که ملاحظه میشود، دزدی در جمهوری اسلامی تنها شامل بخشدار و فرماندار و مدیرعامل و... میشود. "وزاری" دولت مستضعفین" و "دولت پابرهنگها" همگی به این امر شریفا مشغولند و آنطورکه در بالا نیز بدان اشاره نمودیم شغل واقعیشان در پس پست وزارت بعنوان یک محل مستتر است و تازه آمار و ارقام و موارد وزارت سپاه و جنگ در این بخش آورده نشده است. دو وزارتخانه‌ای که جنگ واقعا برای دست اندر— کاران آنها "نعمت" بود.

جراید داده است. برای اینکه در خواننده شك ایجاد نگردد که شاید صرفاً خردانماه، فاندزدی سران بوده، نمونه های دیگری می‌آوریم:

— "مدیرعامل شرکت سایپا بخاطر سواستفادهای کلان مالی در ارتباط با فروش اتومبیل رنو به پرداخت یک میلیارد و دویست میلیون ریال جریمه نقدی ۷۰۰۰۰۰۰۰ شلاق، ۸ سال حبس تادیبی و انفصال دائم از خدمات دولتی محکوم شد" (کیهان ۸ شهریور ۶۷)

— "مدیرعامل و چند تن از مسئولین شرکت آلومینیوم اراک و دو تن از پیمانکاران ساختمانی این شرکت به اتهام سواستفاده مالی کلان بازداشت شدند" (کیهان ۹ شهریور ۶۷)

— "شیکه بزرگ سواستفاده از نام یک ارگان نظامی که با تئانی تعدادی از پرسنل این ارگان اقدام بمخروج لوازم یدکی در حد وسیع از گمرک مهرآباد و فروش آنها در بازار آزاد می نمود کشف و سواستفادهکنندگان دستگیر شدند" (کیهان ۱۰ شهریور ۶۷)

همانطور که ملاحظه کردید، تازه این "نعمت" آن یک قطره از "دریای نعمت" را شامل میشود که اجازه انعکاس بیرونی یافتناند. قطرات دیگری از این "دریای نعمت" را میتوان از لابلاهای حرفهای نمایندگان مجلس در جریان رای اعتماد بدولت موسوی یعنی "دولت خدمتگزار" دید:

— "من به اتهامات مختلفی کدرباره سو مدیریت، اختلاس، دزدی و غیرو به این وزارتخانه (وزارت صنایع سنگین) نسبت داده شده نمی خواهم بپردازم، داستان شرکت "سایپا" را همه میدانند و تکرار آن مشکلی را حل نمی کند" (رجائی خراسانی کیهان ۲۱ شهریور ۶۷)

— "این همه رشوه خواری و دزدی و اختلاس و کارهایی که شایسته شئونات جمهوری اسلامی نیست، از آن سازمان (وزارت دارائی و سازمان گمرک کشور) نباید گزارش شود؟ من خودم موردی سراغ داشتم که در گمرک کرمان زیر پوشش بیوانهای صادراتی دهها و صدها برابر پسته این کشور به طور نامشروع صادر میشد" (رجائی خراسانی — کیهان ۲۱ شهریور)

فقها و سردمداران رژیم در طول هشت سال جنگ همیشه از آن بعنوان یک "نعمت و برکت" نام میبردند، خمینی بارها در سخنرانیهایش از جنگ بعنوان یک "موهبت" نام میبرد و میگفت که از جنگ "موهبت" زیادی عایدشان شده است.

باقبول آتش بی از طرف ایران، مردم هر روز شاهد رو شدن "موهبت" می هستند که سران رژیم از آن بهره مند میشوند. اوج نمایش این "نعمت" و "برکت" درجریان رای اعتماد به کابینه موسوی برملا گشت. امری که به هیچ وجه برای مردم پوشیده نبود. دزدی، فحشا، اختلاس و... همه و همه شغلهایی بوده و هستند که سران رژیم در ورای شغل رسمی شان بدان مشغولند. نگاهی کوتاه به آنچه که خود افشا کردند، نشانی است کوچک در این کارزار:

— "مدیر کل غله استانهای همدان و باختران و تعدادی از کارکنان اداره غله استان همدان به اتهام اختلاس در صدهاتن آرد و کدبه دستگیر شدند"، همین گزارش حاکیست که "تعدادی از مدیران و متصدیان کارخانجات آرسازی همدان نیز جزو دستگیر شدگان میباشد" (کیهان ۲۹ خرداد ۶۷)

— "هیات مدیره قرض الحسنه ولی عصر بهرام فریدون ناکری مدیرعامل صندوق به اتهام سواستفاده و حیف و میل به دادگاه فراخوانده شدند" (کیهان ۱۸ خرداد ۶۷)

— "مدیرعامل و اعضا هیئت مدیره و اینبار کارخانه روغن کشتی شهید باهنر بندرتارکمن بعلت خرید غیرقانونی سویا و فروش چهل تن روغن نباتی در خارج از شبک توزیع به انفصال دائم از خدمات دولتی و پرداخت ۶۴۲ میلیون ریال جریمه نقدی محکوم شد" (کیهان ۷ خرداد ۶۷)

— "مدیر کل صید صنعتی شیلات کشور به اتهام گرفتن رشوه ۹۰۰ هزار دلاری دستگیر شد" (کیهان ۲ خرداد ۶۷)

آنطور که ملاحظه میکنید این دزدیها فقط متعلق به خردانماه سال ۶۷ میباشد و تازه دزدی — هائی را شامل میشود که رژیم رضایت به اعلام آن در

## مصاحبه با نرگس وفادار

نویسنده و تهیه کننده برنامه‌های تلویزیونی کودکان

### کودکان، فراموش شدگان در غربت

انساندوستی و همکاری را در بچه‌ها بارور میکند فراموش شدنشان، از جُم چک برگ خزون، قایم باشک (قایم موشک)، اتل متل، باقالی به چند من، و ۰۰۰ خبری نیست. تابحال علیرغم اینهمه ادعا، حتی بهترین تشکل دمکراتیک نتوانسته يك كلوب بازی، يك گروه کر، يك گروه رقص فولکلوریک، يك کلاس تاتر و موسیقی برای بچه‌ها سازمان بدهد و سازمان های سیاسی نیز بدتر، کوشی کودکان و نوجوانان در زمره مردم نیستند! من خود کار سازمانی با هیچ سازمان سیاسی نمی کنم اما برای آرمایهای شریف و انسانی آنها ارج قائم با این وجود فکر میکنم سخت به مساله کودکان و نوجوانان بی-توجهانند و این برای فردائی که راهی ایران خواهیم شد و اینان آینده سازان هستند، فاجعه خواهد بود.

خلاصه کنم، به مسائل کودکان باید بطور جدی برخورد شود، بچه‌ها در غربت فراموش شده‌اند، برای تربیت و زندگی آنها باید وقت گذاشت و برنامه داشت، آنها متعلق به ایرانند و بیش از هر چیز می باید از چشمه فرهنگ جامعه‌مان سیراب شوند. هیچ توجیهی، حتی فعالیتهای سیاسی برای بی توجهی به کودکان قابل قبول نیست، به اعتقاد من استفاده از جنبه‌های مثبت فرهنگ و امکانات غرب ضروری و پرارزش است اما آنچه که دیده می‌شود، خلاف این است.

س: چه راحل های عملی برای کاهش و حل این مشکلات ارائه می‌دهید؟

ج: بنظر من جدا از توجه پدران و مادران به مسائل کودکان همراه با بردباری و صبر لازم از خانه و خانواده، تشکل های پناهندگی و دموکراتیک، سازمانهای سیاسی و هنرمندان انقلابی نیز میتوانند در رابطه با پایه ریزی يك نظام تربیتی درست، نقش ایفا کنند. تشکلهای دمکراتیک و پناهندگی می باید بخشی از کارهای فرهنگی خود را به کودکان اختصاصی دهند، برنامه‌های آموزشی و هنری با استفاده از جنبه‌های مثبت فرهنگ جامعه‌مان، دایر کردن کلاس های خواندن و نوشتن فارسی و ۰۰۰ میتوانند کمک کننده باشند. اگر چه درگیریهای فرقه‌ای و ایدئولوژیک مانع بزرگی در رابطه با فعالیت مشر ثمر این نوع تشکلهاست. اما هنوز هم میتوان امیدوار بود. پدران و مادران نیز می باید در رابطه با این تشکلهای، از جمله آنچه که به کودکان برمیگردد، فعال باشند. من فکر میکنم انتشار يك نشریه سرتاسری برای بچه‌ها نقش پرارزشی در رابطه با کاهش مسائل آنان خواهد داشت.

سازمانهای سیاسی نیز به مساله باید توجه کنند. پرداختن به مسائل کودکان و آموزش سیاسی آنها

بهترین امکانات را برای آنها مهیا کردیم، بیاری وسائل بازی کامپیوتری و نیز برنامه‌های تلویزیونی و ویدئویی، تلاش در آرام کردن و بی آزار کردن آنها داریم، بی آنکه اندیشه کنیم که آنان را بدست خودمان به کجاسوق می‌دهیم. دنیای کودکانه زیبای آنها را که سرشار از تخیل کودکانه است، با دادن کامپیوترهای بزرگ و کوچک و انواع وسائل بازی و سرگرمی که با او بیگانند و با اهدافی تخریبی و انحرافی ساخته شده‌اند، خراب می‌کنیم. دقت کنید! حتی بچه‌های خانواده‌های سیاسی مسخ کامپیوتر، وسائل جنگی، مدرن و رامبو و راکتی شده‌اند! من نقش و اهمیت کامپیوتر و ارزش تفریحی و سرگرمکننده برخی از این وسائل را انکار نمی‌کنم، اما می باید بویژه در مورد کودکان با این امر دقیق برخورد کرد و اهداف نهفته در پشت طرحهای مختلف برای اسباب - بازیها و سرگرمی های مختلف کودکان را شناخت.

من تعجب میکنم! مگر همه ما به نظام تربیتی امپریالیستی، روند غیرانسانی و ناسالم تبلیغ خشونت، جنگ طلبی، میل کشتن انسانها، فردگرایی و ماشینیزه شدن آنها انتقاد نداریم؟ چگونه است که در عالیترین شکل که می‌خواهیم سرگرمی و بازی - که نقش مهمی در پایه‌های تربیتی بچه دارند - برای آنها تدارک ببینیم از همان وسائل سود میجوئیم؟ من اعتقاد دارم که در مورد بچه‌هایمان در غربت در واقع اسیر همان نهضت فرهنگی - ایدئولوژیک ریگانیسم شده‌ایم. من با خانواده‌های زیادی از پناهندگان ارتباط دارم، بجزرات میتوانم بگویم که ایدئولوژی میلیتاریستی "رامبو و راکتی" در زندگی کودکانشان حاکم است و خانه و کاشانه آنها من را به یاد این آمار می اندازد که "در امریکا کمتر خانهای را که متعلق به اقلیت متوسط و مرفه است است میتوان یافت که از بازیهای ویدئویی خانگی و بازی های کامپیوتری، که جنگ مضمون اصلی این بازیهاست، خبری نباشد". آیا چنین وضعی زنگ خطر نیست و نمی باید به آن توجه داشت؟

این مقدمات برای این بود که بگویم، باید بیشتر بفکر فرزندان خود باشیم. امروز در بهترین حالت خوراک تربیتی بچه‌های ما "صمد آرتیست میشود"، "صمد به مدرسه میرود"، "صمد و ازدها" و ۰۰۰ است. امروز فکر آرام کردن کودکانمان هستیم چرا که مساله آنها را چندان جدی نمیگیریم. خیلی که به آنها محبت داشته باشیم با خودمان به جشنهای سیاسی و کسرت فلان آقا یا خانم میریمشان که جرأت ندارند، چنین جاهائی جیک بزنند!

بفکر برنامه‌ریزی برای زندگی آنها نیستیم، در خانه بازیهای اصیل و سنتی ایرانی که روحیه تعاون و

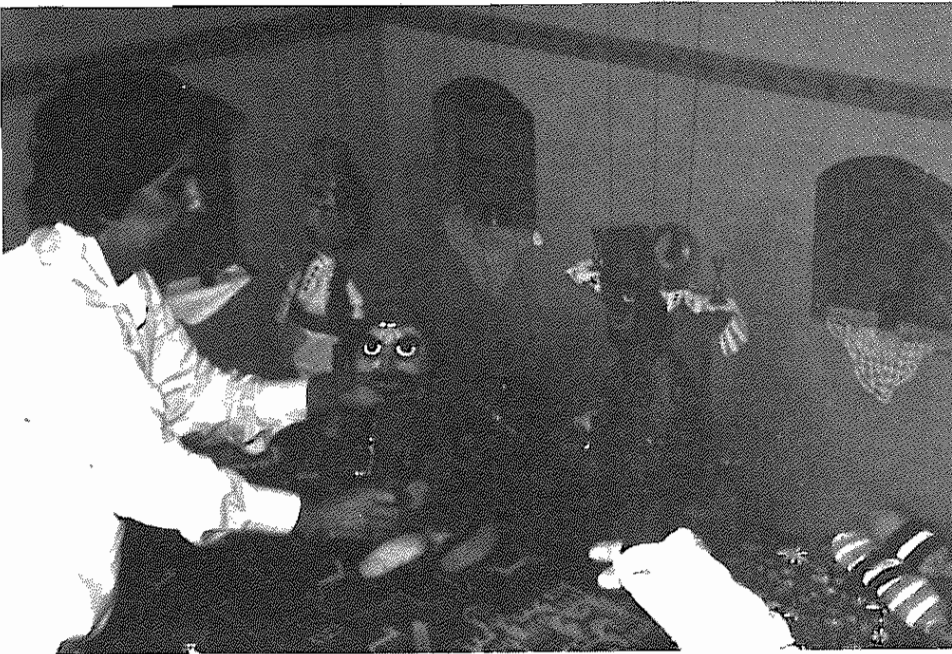
نرگس وفادار، تهیه کننده، کارگردان و نویسنده برنامه‌های تلویزیونی کودکان و تئاترهای عروسکی، اکنون یکی از پرکارترین هنرمندان ایرانی در غربت است. او به همراه همسرش تاکنون بیش از ده نمایش عروسکی و تئاتر در شهرهای آلمان غربی به روی صحنه آورده‌است. با توجه به اهمیت کار فرهنگی برای کودکان ایرانی در مهاجرت و با در نظر گرفتن اینکه نرگس وفادار از جمله هنرمندان نادری است که در این عرصه در خارج از کشور فعالیت میکند، نقش و وزن کارهای او جایگاه شایسته و قابل توجهی در میان مجموعه فعالیتهای هنری ایرانیان در خارج از کشور پیدا میکند. با سپاس از نرگس وفادار که دعوت ما را به گفتگو پذیرفت، پای صحبت هایش می نشینیم.

س: مختصری در باره خودتان، کارهایتان و اینکه چگونه فعالیتهای تان را آغاز کردید، برایمان بگوئید.

ج: قبل از هرچیز از اینکه چنین فرصت و موقعیتی برای مصاحبه به من دادید سپاسگزارم. اگر بمن اجازه بدهید. من در آغاز نمی‌خواهم از خودم و کارهایم بگویم، البته من مختصری درباره خودم و کارهایم خواهم گفت، اما مایلم ابتدا درباره کودکان در غربت صحبت کنم، از کسانی که ۱۵ سال از بهترین سالهای عمرم را برای آنها کار کردم، کاری که امروز در من حس افتخار و آرامش بوجود آورده است.

به اعتقاد من کار کردن برای بچه‌ها، از شریف ترین و انسانی ترین کارهاست، بویژه در شرایطی که از يك طرف هجوم نموده‌های منحنط و منفی فرهنگ غرب مورد تهاجمشان قرار داده و از سوی دیگر کم حوصلگی و بی توجهی مادران و پدرانی که درگیر مسائل ریز و درشت در غربت هستند و آوارگی نیز امانشان را بریده. این کمحوصلگی و بی توجهی سبب شده که مادران و پدران نیز ناآگاهانه و بیخبال اینکه بهترین امکانات را برای فرزندان تدارک دیدنند، به تهاجم نموده‌های منحنط و منفی تمدن غرب به کودکانشان یاری میرسانند؟ من قبل از هر چیز مایلم به این مساله اشارتی داشته باشم.

ببینید! توجه به ویژگی و نیازهای کودک، لیاقتها و تواناییهای حسی و حرکتی، ذهنی و عاطفی، قبل از همه از وظائف مهم پدران و مادران است، اما برآستی چند درصد از پدران و مادران در فضای بی برنامه‌های آموزشیها و بیحوصلگی های موجود بنفلاکتور-های گفته شده توجه دارند و برای برخورد با مسائل کودکانشان وقت ضرور صرف میکنند؟ با خیال اینکه



عروسکها بوجود می آید. "مرشد" که ضرب میوزاد ز حرفهای عروسکها را که اغلب اوقات ناروشن و غیرواضح است تکرار میکند و در حقیقت رابط بین عروسکها و تماشاچیان است و بالاخره "کمانچمن". کمانچمن میتواند بیاری چند نفر در خیمه به اجرا درآید و کمانچمن و مرشد از دایره نمایش حذف شوند. نمایش عروسکی انواع گوناگون دارد. برای مثال نمایش عروسکی "پهلوان کچل" است که عروسکها از نوع دستکشی هستند. نوع دیگر که حدود ۲۰۰ سال سابقه دارد نمایش عروسکی "شاه سلیم بازی" است. در این نمایش عروسکها نخی و خیلی ابتدائی هستند و حرکاتشان نیز زیاد پیچیده نیست ولی بسیار پرتحرک هستند. در این نمایش نقش اصلی به عهده "مبارک" است. مبارک نوکر زبیرک و قهیدمو درین حال خوش صحبت، ساده دل و مهربان است. او درغالب متکلم و طنز شاسلیم یا ارباب را مورد تحقیر و تمسخرقرار میدهد و...

س: بعنوان آخرین سوال، بنظر شما در شرایط کنونی هنرمندان در تبعید چه وظیفهای برعهده دارند و چه میتوانند بکنند؟

ج: این امر برای من بسیار تاثیرانگیز است که هنرمندان، علیرغم دید انسانی و بازشان از آزادی و دموکراسی، هنوز نتوانستند دور هم جمع بشوند و یک شکل دموکراتیک هنرمندان شکل بدهند. فقدان چنین تشکیلی در شرایطی که هنر و ادبیات نقش پرارزش و تریبخشی در مبارزات اجتماعی بازی میکنند، در واقع لطمه به مبارزات مردم میهنان و پناهندگان و مهاجرین است. برای من بسیار تعجب آور است که ما خیل عظیم هنرمندان در تبعید، که همگی از آزادی دم میزنیم، هنوز نتوانستیم خودمان بدور هم گرد بیائیم و حتی یک نشریه سرتاسری را سازمان بدهیم. بنابراین من فکر میکنم قبل از هرچیز باید بفکر شکل دادن یک شکل سرتاسری هنرمندان بود و شاید مقدمات انتشار یک نشریه سرتاسری، برآستی که جای "کانون نویسندگان و هنرمندان" فعال و پرچوش در خارج از کشور و تبعید خالیست. من فکر میکنم میباید به شکلدهی و تقویت این کانون همت گمارد. من خوشبین هستم که اگر بدون ابتلا به فرنگرانی مبتذل و خودمحوری آستینها را بالا بزنیم، میشود چنین کانونی را شکل داد و بقیه در صفحه ۱۳

کسرتی بزرگ برای کودکان و نوجوانان ترتیب دادم که از لحاظ محتوی فرهنگی کاری بسیار پرارزش و موفق بود. در این برنامه یکی از شاگردان "باغچیمان" که نامی آشنا در فرهنگ ما دارد، با صدای پرورش یافته و خوش آوازه های کودکانه خواند. یک گروه کر عروسکی نیز که سرگروه ها اجرا کنندگان آن بودند، نیز برنامه خوبی ارائه داد! تمامی عروسکها و دکورها را، همچون اکثر مواقع شوهرم ساخته بود! این برنامه که بنظرخودم در حد یک کار حرفهای خوب بود بیاری بسیاری از همکاران خوب، بدون کترین چشمداشتی تهیه شد. در حال حاضر علاوه تدریس زبان فارسی برای کودکان نرتشکلهای نمکراتیک، قضای از "سوتیف" نویسنده خوب بچهها برای کار به زبان فارسی و آلمانی در نسیست دارم، سناریوی این اجرا را تهیه کردم، عروسکها و دکور ساخته شده، کار ترجمه به آلمانی نیز تمام شده و در مرحله ضبط صدا و تعزین هستیم تا برای اجرا آماده شود. برای نوروز آینده نیز یک طرح برگزاری کسرت عروسکی همراه با ماسک برای کودکان در نظر دارم که مقداری از گراهایش نیز انجام شده است.

س: میخواهیم کمی درباره "خیمه شب بازی" برایمان بگوئید.

ج: بدون شك حتی اگر قرار باشد به اختصار در مورد نمایش عروسکی و خیمه شب بازی بگویم، نیاز به صفحات متعدد نشریه شما دارم، اما تلاش میکنم چند جملهای در این باره بگویم. خیمه شب بازی یکی از قدیمی ترین نمایشهای ایرانی ست که بنظر من از جنبه های مختلف دارای اهمیت است. اولاً، مضمون نمایشهای خیمه شب بازی که معمولاً با تحقیر و تمسخر ارباب توسط نوکر همراه است، از دید من مضمون بالارزش و خوبی است، درتانی بُرد تودعای این نمایش نیز وسیع است، اگر بتوان مضمین مرقی تر را در چنین شکلی بیان کرد، با بُرد تودعای این نمایش، میتوان وسیله تبلیغی پرارزشی را تصاحب کرد.

این نمایش عروسکی چون در شب و درخیمه انجام میگردد، نام "خیمه شب بازی" بخود گرفته است. اشخاص اصلی این نمایش عروسکی ۳ نفر هستند. "استاد" که عروسکها را تکان میدهد و با "صغیر یا سونک" که در دهان میگذارد بجای عروسکها حرف میزند و با زیر و نازک کردن صدا، صداهای مناسب با

به زبان ساده خوششان، کمک خواهی از روانشناسان و جامعه شناسان برای شناخت و حل مشکلات کودکان و نوجوانان می باید مورد توجه سازمانهای سیاسی باشد. این سازمانها لافل میتوانند با تاکید بر اهمیت مسئله و آموزش پدران و مادران کارساز باشند.

هنرمندان انقلابی نیز می باید از کمتوجهی خود به مسائل کودکان بگهند! امروز هنر وسیله ایست که میتواند در کاهش و حل معضلات و مشکلاتی که طرح شد، نقش پراهمیتی ایفا کند. هنرمندان با نگاه تیز خود میتوانند دردها و مشکلات را ببینند، به دیگران نشان دهند و راحل ارائه کنند.

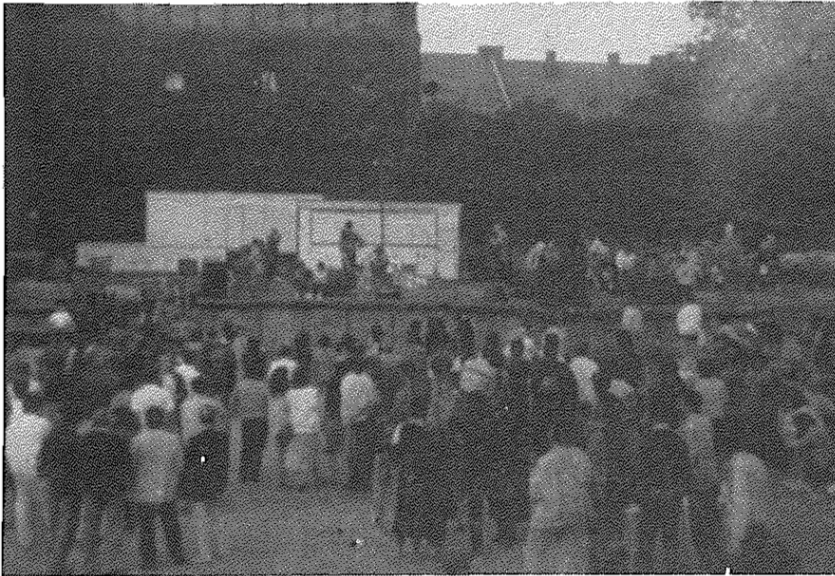
س: خوب، اگر موافق باشید حالا کمی از خودتان و کارهایتان برایمان بگوئید.

ج: من در سال ۱۳۴۹ از دانشگاه تهران در رشته روانشناسی و علوم تربیتی فارغ التحصیل شدم، از همان هنگام بعنوان نویسنده برنامه های کودکان با تلویزیون همکاری میکنم. در سال ۱۳۵۲ مدرسه عالی سینما و تلویزیون یک دوره تهیهکنندگی را گذراندم و بعنوان تهیه کننده برنامه کودکان رسماً شروع به کار کردم. نخستین برنامه ای که تهیه کردم "بچهها، بچهها" بود که مخصوص کودکان قبل از دبستان ساختم. هدف این برنامه آموزش الفبا، اعداد و مفاهیم ساده به کودکان بود، مفاهیمی مثل همکاری، کمک، دوستی، اتحاد و غیره، در واقع این برنامه، کودک را برای رفتن به مدرسه آماده میکرد. سه کتاب برای بچهها نوشتم که هر سه سانسور شدند، مضمون قصهها درباره اتحاد و وحدت بود. برای مثال یکی از قصهها "سرگذشت پری کوچک غمگینی بود که بدنبال شادی میگشت، با زمین، با درخت، با پروانه و گل و کوه و دشت صحبت میکرد و... بالاخره با جوی و رودخانهها همسر شد و به دریا رسید، پری کوچک راز شادی را در میان آتیه قطره های بهم پیوسته آب یافت"، بله، این قصه هم سانسور شد! "کلاغها" نوشته نادر ابراهیمی را برای بچهها کار کردم، اما اجازه نمایش نگرفت.

"ترب" اثر بیژن مفید، چند قصه از کلیله و دمنه و یک تاتر برای کودکان معلول کار کردم که خود کودکان معلول با صندلی چرخدار بازی میکردند. برخی از این تاترها در واقع "تاتر ماسک" بود و با ماسک بازی میشد، از جمله "کلاغها". یکسری برنامه ها "معرفی کتاب" برای نوجوانان و برنامه موسیقی برای کودکان. تهیه کردم که در اوایل انقلاب از سری ۱۳ تائی آنها فقط دو برنامه پخش شد و بقیه سانسور شدند. "بازیهای سنتی ایران" از دیگر کارهایم بود که سری ۱۳ تائی آن در آرشیو تلویزیون ماند و اجازه پخش نگرفت. با استفاده از ضرب المثل های ایرانی یکسری برنامه های عروسکی تهیه کردم، برنامه "پدربزرگ و فسقلی"، و "نخودی" که چهارسال و هرهفته ۳ برنامه از آن پخش میشد از دیگر کارهایم بود. آخرین برنامه ای که در ایران تهیه کردم "سفرهای دانا" بود.

در غربت جای برنامه برای بچهها را، بگونهای دردناک خالی دیدم، از همان اوان ورودم به آلمان غربی به یاری شوهرم دست بکار شدیم. چندین نمایش "خیمه شب بازی" و یک نمایش "موش و گربه" را برای بچههای پناهندگان و نیز کودکان آلمانی اجرا کردیم، که موفق بودند. در همین هنگام نیز نمایشی از "برشت" بنام "آنکه گفت آری و آنکه گفت نه" را بروی صحنه بردم اما علیرغم موفقیت این نمایشنامه، زود پشیمان شدم و دوباره بسوی کودکان بازگشتم! عید نوروز

## اعتراضات گسترده مهاجرین ایرانی علیه استرداد پناهندگان توسط دولت ترکیه!



بدنبال انعکاس خبر تحویل عدای از پناهندگان ایرانی از ترکیه به پاسداران جمهوری اسلامی و تیرباران شدن تعدادی از آنها، موجی از اعتراض به این اقدامات ضدانسانی و احساس همدردی نسبت به قربانیان و آوارگان ایرانی در میان مهاجرین ایرانی برانگیخته شد. گزارشات رسیده از شهرهای مختلف اروپایی نشان میدهد سازمانهای انقلابی و دمکرات و کانونهای دفاع از حقوق پناهندگی با تظاهرات و اجتماع در مقابل سفارتخانهها و کنسولگری های دولت ترکیه خواهان قطع ادامه این سیاست شده و به افشای همکاریهای میان رژیم ترکیه با جمهوری اسلامی درباره تحویل آوارگان پرداختند.

### بحث ها پیرامون آینده پناهندگان

#### فعال است!

از مدتی پیش با انبوه شدن جمعیت پناهنده در سوئد، بویژه با بوجود آمدن وضعیت جدید در جنگ بین ایران و عراق و چشم‌انداز صلح همچنانکه در بین مقامات دولت و احزاب در قدرت در میان تشکلهای دمکراتیک و دفاعی پناهندگان و احزاب مترقی و انساندوست نیز بحث حول آینده پناهندگان و مسالهی پناهندگی در

### — پناهندگان ایرانی و خارجی کارگران ارزان قیمت!

بروزهای دولت سوسیال دمکرات سوئد بی نقص است. کودکان و زنان و آوارگانی را که قادر به کار نیستند و یا طبق قوانین به حد سنی متعارف برای کار در کارخانهها نرسیده‌اند، اخراج میکند. بقیه را که قادر به کارند و طبق قوانین حقوق بشرمورد ادعای دولتهای اروپایی گوانسیون ژنو اخراجشان در سر خواهد داشت، بعنوان کارگران ارزان قیمت نگاه خواهند داشت. وزیر دارایی سوئد در مصاحبهای که اخیراً از تلویزیون این کشور پخش گردید در مقابل این سوال که چرا با وارد کردن کارگران یوگسلاوی مخالفت میکند، جواب داد که با وجود هزاران پناهنده خارجی در سوئد دلیلی برای صرف مخارج زیاد و خروج ارز از کشور وجود ندارد. ما باید و بهتر است از نیروی کار پناهندگان بجای کارگران خارجی استفاده کنیم.

### تشکیل کمیته پناهندگان (بخش ایرانی)

#### در استکهلم

بدنبال اقدامات کمیته پناهندگان سوئد در فعال نمودن پناهندگان از ملیتهای مختلف در دفاع از حقوق خویش، اخیراً در تاریخ ۴ سپتامبر ۱۹۸۸ پناهندگان ایرانی مقیم استکهلم با همیاری و کمک کمیته اصلی موفق شدند بخش ایرانی این کمیته را تشکیل دهند. در جریان تشکیل این کمیته نمایندگان پناهندگان ایرانی از شهرهای مختلف سوئد شرکت داشتند و از طریق انتشار یک بیانیه اعلام موجودیت بخش ایرانی را اعلام کردند.

سوئد فعال شده است. بدین مناسبت کمیته حمایت از پناهندگان سوئد روز ۸ سپتامبر در میدان "کوتاپالاتسن" شهر گوتنبرگ یک تظاهرات ایستاده برگزار کرد و به دعوت آن عدای از نمایندگان کمیتههای پناهندگی و احزاب سیاسی درباره مساله پناهندگی و سیاستهای حزب و تشکل خود در این مورد سخنرانی کردند. گروههایی از پناهندگان ملیتهای گوناگون از جمله ایرانیان و شیلیاییها در این تظاهرات فعال بودند. یک گروه هنری از امریکای لاتین با اجرای برنامه موسیقی و رقص به نمایش فرهنگ و سنتهای امریکای لاتین پرداخت.

### هامبورگ آلمان فدرال

#### تظاهرات ایستاده علیه استرداد ایرانیان

متعاقب پخش اخبار مربوط به اخراج عدای از ایرانیان از دو کشور ترکیه و قبرس، جلسهای با حضور عدای از فعالین سیاسی مقیم این شهر اعم از وابستگان سازمانها و منفردین در محل دانشگاه شهر هامبورگ تشکیل گردید.

حاصل نشست این جلسه انتخاب کمیتهای جهت جمع آوری خبر، و در صورت صحت مسئله سازماندهی یک آکسیون اعتراضی بود.

کمیته مذکور چندین بار با فراخواندن مجمع عمومی بحث و تبادل نظر بالاخره شکل آکسیون ایستاده را بعنوان شکل مناسب اعتراضی تشخیص داد.

این آکسیون روز ۱۲/۹/۸۸ را که صاف است با روز کودتای نظامی در ترکیه مقابل کنسولگری این کشور صورت گرفت.

شرکت کنندگان در آکسیون با محکوم کردن دولت فاشیستی ترکیه و شعارهای علیه آن رژیم و رژیم جمهوری اسلامی از ساعت ۱۲ ظهر تا ساعت ۱۳/۳۰ بعد از ظهر اعتراضی خود را ابراز نمودند. یک هیئت سه نفره به نمایندگی از طرف تظاهرکنندگان قطعنامه صادره را تحویل مقامات مسئول کنسولگری دادند.

مقامات کنسولگری منکر بروز چنین حوادثی بودند و میگفتند ایرانیان اگرهم استرداد شوند حتماً آنهاست هستند که به امر قاچاق مواد مخدر مشغول بودند.

## گزارش عفو بین الملل

ادامه از صفحه ۱۶

## سوئد - استنکلم

اعتراض علیه استرداد پناهندگان

روز جمعه دوم سپتامبر بیش از صد و پنجاه ایرانی پناهنده مقیم سوئد جلوی سفارت ترکیه در استنکلم گرد آمدند تا اعتراض خود را نسبت به سیاستهای ضدانسانی دولت ترکیه در قبال پناهندگان و آوارگان ایرانی در آن کشور اعلام دارند. پناهندگان در این تظاهرات ایستاده که از ساعت يك تا ۲/۵ بعد از ظهر بطول انجامید ضمن دادن شعارهایی در محکومیت دولت ترکیه خواستار جلوگیری از استرداد ایرانیان مهاجر در ترکیه به دولت ایران شدند. آنان معاملات اخیر دولت ترکیه را برای بر سر استرداد مردمان ایرانی محکوم نموده و از تمامی مردم آزادیخواه و بشر دوست و سازمانهای بین المللی خواستند تا از این اقدام ضدانسانی دولت ترکیه جلوگیری بعمل آورند.

قابل توجه است که هواداران حزب کمونیست کومله بشبوعی فرصت طلبانه در این تظاهرات آرم مخصوص خود را بلند کردند که با اعتراضی برگزارکنندگان که تحت هویت پناهندگان سوئد عمل میکردند روبرو شده و مجبور به جمع کردن آرم خود شدند.

## اتریش - وین

از طرف تعدادی از گروههای هوادار سازمانهای سیاسی و کانونهای دمکراتیک در شهر وین در تاریخ ۱۹۸۸/۸/۲۵ طی اطلاعیهای از کلیه مهاجرین دعوت شد بمنظور اعتراض علیه سیاستهای ضدپناهندگی دولت ترکیه روز شنبه دهم سپتامبر طی تظاهراتی به طرف سفارت ترکیه حرکت کنند. در پاسخ به این فراخوان عده قابل ملاحظه‌ای از مهاجرین و نیروهای انقلابی در این روز در مقابل سفارت ترکیه به تظاهرات پرداختند. همچنین نیروهای مبتکر اقدام فوق، با ارسال يك تلکس برای آرگنها و سازمانهای حقوق بشر و دمکراسی اوضاع خطرناک پناهندگان ایرانی در ترکیه را توضیح داده و از آنان خواستار اقدام عاجل گردیدند.

## ادامه از صفحه ۸ المپیک ۸۸ و ۰۰۰

جسمی و ورزش جوانان کشورمان نمی توان انتظار داشت. جمهوری اسلامی در سازماندهی ورزش و سرسری و شادابی و زیبایی جوانان ایرانی در آخرین ردیف است. از حق نباید گذشت که او در طی ۱۰ سال حکومت خود تمام مدالهای طلا در سازماندهی کشتار، تبهکاری، جنایت را از آن خود کرده است. در ایران تحت حکومت فقها میدان ورزشی نه برای تفریحات سالم، بلکه همچون کارخانه، مزرعه و محله صحنه نبرد انقلاب و ضدانقلاب حاکم است.

جوانان قهرمان مردم رنج دیده کشورمان، اگرچه از افتخارات ورزش در رقابت های بین المللی محروم و تحقیر شده اند، اما با تبدیل کردن استادیومها و تیمهای ورزشی به محل و محل مبارزه علیه ارتجاع فاشیستی جمهوری اسلامی و بیشترین و بالاترین افتخارات را در نبرد علیه یکی از جنایتکارترین حکومتهای عصر جدید و برای آزادی ورهائی توده های مردم نصیب خود کردند.

"اینور پلیس، آتورپلیس، پرسپولیس"، "آزادی (نام جدید تیم پرسپولیس)، نیست، نیست" و "آزادی، استقلال (نام جدید تیم تاج)، پیروزی (نام جدید تیم پرسپولیس)" و "مرگ بر ۰۰۰"، شعارهایی است که دهها هزار جوان و ورزش دوست ما در استادیومها تکرار میکنند. درود بر این همه مقاومت و ابتکار.

به گردهای مرزی ایران تحویل داده شدند. گزارشات تأیید شده حاکیست که پس از عودت به ایران دزدان اوین تیران زندانی شده و هـ.ل اقدام گردیده است. در زمانی که ایندو به ایران عودت داده میشوند مقامات ترکیه شواهد مستندی در اختیار داشتند که نشان میداده این دو نفر به دلیل فعالیت سیاسی شان در ایران در معرض خطر جانی هستند. فـ.ک و هـ.ل بدون داشتن مدارک قانونی وارد ترکیه شده بودند و پس از رساندن خود به آنکارا از UNHCR تقاضای پناهندگی نموده بودند. این دو نفر از نواحی مرزی ایران یعنی محلی که ابتتامورد بازجویی پلیس ترکیه قرار گرفته بودند به ایران بازگردانیده نشدند.

م.ت.م در نوامبر ۱۹۸۷ یکی از چند ایرانی جوانی بوده که بزور و بدون دادن فرصت برای تقاضای پناهندگی سیاسی از ترکیه به ایران بازگردانده شد. مقامات ترکیه او را در محلی از مرز ایران و ترکیه رها نمودند اما وی توانست مجدداً وارد ترکیه شود. متشایها در ۱۵ نوامبر ۱۹۸۷، ر.س را از شهر مرزی اولک سکوا بدون دادن اجازه تقاضای پناهندگی به ایران بازگردانیدند.

سه نفر که توسط UNHCR عراق بعنوان پناهنده پذیرفته شده بودند در حالی که توسط پلیس ترکیه اسکورت میشدند تهدید میشوند که به ایران عودت داده خواهند شد. این عده در ژانویه ۱۹۸۸ به شهر مرزی طردین رسیدند. اسامی آنان هـ.ل، ف.م، ف.ج و ا.ر.ک بوده است.

۱۰۱. که توسط UNHCR عراق بعنوان پناهنده پذیرفته شده بوده است پس از اینکه ۱۵ ماه در ترکیه بسر میبرد، در منزلش در آنکارا توسط پلیس ترکیه دستگیر میشود. پس از دستگیری به شهر وان در مرز ایران و ترکیه آورده میشود. پس از آن وی را در مرز ایران و ترکیه رها میسازند. این واقعه در اواخر ژانویه ۱۹۸۸ اتفاق می افتد.

دکتر ج.ا. که بعنوان پزشک در ارتش ایران خدمت میکرد و بعد در آنکارا تقاضای پناهندگی سیاسی می نماید در اول فوریه ۱۹۸۸ توسط اداره امور خارجیان پلیس ترکیه به مصاحبه دعوت میشود. او را از محل مصاحبه به مرز ایران و ترکیه برده و تحویل مقامات ایرانی میدهند. بخاطر امکان ضرب و کوب این فرد از سوی رژیم ایران و شرایط اضطراری که وی داشته دولت کانادا موافقت کرده است که وی را بعنوان مهاجر بپذیرد. عفو بین الملل از چهار مورد دیگر ایرانیانی که در خدمت ارتش بودند و بشکل مظنون در ترکیه ناپدید شدند اطلاع دارد و تصور میبرد که این عده نیز قربانی "بازگشت" به ایران شده باشند.

## ادامه از صفحه ۱۱ مصاحبه با ۰۰۰

تقویت کرد و شاید "چشم انداز" و کسانی که با آن کار میکنند نیز بتوانند نشریه سرتاسری چنین کانونی و هسته موسس چنین کانونی شوند. به اعتقاد من، سازمانهای سیاسی نیز، بی آنکه تلاش بکنند مگر خود را بر این حرکتهاى دموکراتیک بزنند، میباید با دیدی گاملا دموکراتیک این تشکله و هنرمندان در تبعید را تقویت کنند، تا هنر و ادبیات متعهد و مردمی بهتر بتواند رسالت خود را در این برهه زمانی انجام دهند. من فکر میکنم در شرایط کنونی افراد و انفعالی شایسته هیچ هنرمند مردمی و مسئولی نیست.

اخیرا در ایران مستقر شدند را مورد حمله قرار دهد." اخبار رسیده حکایت از این دارد که بازجویی از ایرانیان در شهرهای کوچک و شهرهای مرزی عموماً به همراه تهدید و حتی شکنجه میباشد و توسط پلیس ترکیه اعمال میشود. شکایات بسیاری وجود دارد مبنی بر اینکه ایرانیان متقاضی پناهندگی کنگ خوردند، از دادن غذا به آنان خودداری شده است و در معرض شکنجههایی از قبیل شوک الکتریکی و آویزان ماندن قرار گرفتند.

از سال ۱۹۸۶ تاکنون بسیاری از کشورهای اروپائی، ایرانی را که از طریق ترکیه به سایر کشورهای های اروپائی رسیدند را مجدداً به ترکیه بازگردانده اند. اینان اکثر کسانی بودند که ابتداهویتشان برای دولت ترکیه فاش نشده بود.

نقشی که سایر دول میتوانند در جهت حمایت از ایرانیان پناهنده و یا متقاضی پناهندگی در ترکیه به عهده بگیرند یکی پذیرش این پناهندگان برای اقامت در کشورهای خود است و دیگری پناهندگی دادن به ایرانیانی است که توسط UNHCR در ترکیه ثبت نام نشده اند اما میتوانند از ترکیه خود را بدین کشورها برسانند. هیچ کشوری نباید متقاضیان پناهندگی ایرانی را تحت هیچ عنوانی به ترکیه یعنی به جایی بفرستد که سلامت آنان مورد اطمینان قرار نگیرد.

سپس گزارش به ذکر موارد مشخصی از بازگرداندن ایرانیان میپردازد و چنین ادامه میدهد:

عفو بین الملل معتقد است که اکثریت افرادى که به زور از ترکیه به ایران بازگردانیده میشوند، گرفتار زندان، شکنجه و اعدام میگردد و بهج وجه آمار این وقایع منتشر نمیشود.

اسامی کسانی که ذکرشان در ذیل میاید در اختیار مقامات ترکیه قرار گرفته بوده است تا اقدامات مقتضی جهت جلوگیری از بازگرداندن آنان به ایران به عمل آید. بمنظور جلوگیری از خطرات احتمالی برای این افراد اعضا خانوادشان توسط رژیم ایران فقط با حرف اول اسمشان از آنان یاد میکنیم.

در ۱۹ آوریل ۱۹۸۷، ف.ک - ف.ک - ۱۰۱ و س.س، براساس گزارشات رسیده از شهر دوبایزید یعنی محلی که در بازداشت ترکیه بسر میبردند بنگارد. های مرزی ایران در بازگراگن تحویل داده شدند. هنگامی که عفو بین الملل از دولت ترکیه تقاضا نمود در مورد این گزارش توضیح دهد، ترکیه منکر چنین حادثهای شد.

در ماه مه ۱۹۸۷، م.م به زور از ترکیه بنایران بازگردانده شد. دولت ترکیه به تحقیقی که در مورد این شخصی انجام شده بود جواب میدهد و میگوید اجسازه خواهد داد این فرد با UNHCR تماس بگیرد. هنگامی که عفو بین الملل از مقامات ترکیه توضیح میخواهد که چرا علیرغم بذیری این فرد توسط UNHCR بعنوان پناهنده و کسب اجازه ورود به فرانسه برای این فرد او را به ایران بازگردانید، ترکیه هیچ پاسخی نمیدهد.

۳۰ ژوئن ۱۹۸۷، ا.س از سوی UNHCR به عنوان پناهنده پذیرفته شده بوده است اما وی را از دوبایزید به ایران عودت میدهند. وی اجازه اقامت در ترکیه را دریافت کرده و عفو بین الملل يك نسخه از این سند را دارد که کویای داشتن اعتبار تا ماه مارچ ۱۹۸۸ بوده است.

۱۶ ژوئن ۱۹۸۷، ف.ک و ه.ل در اگر

برلین ۲۷ سپتامبر

هائیتی ۲۰ سپتامبر

بانک جهانی و صندوق بین المللی پول فقر خلقها را سازمان می دهند!

● بدنبال شورش سربازان و افسران جز گارد ریاست جمهوری برعلیه ژنرال نامفی که با پیوستن سایر سربازان و افسران جز ارتش و پلیس بصورت يك کودتای نظامی درآمده و قدرت را از دست طرفداران دوولیه خارج نمود، موج وسیعی از اقدامات خودجوش تودهای برعلیه طرفداران دوولیه و افراد پلیس مخفی جنایتکار وی بنام "تونون ماکوته" هائیتی را فراگرفته است. در سراسر این کشور مردم به دستگیری و تنبیه این افراد پرداخته و تصفیه انارات و ارتش و پلیس به ابتکار سربازان و افسران جز شروع شده است. سربازان و افسران شورش طیفی اعتمادی به ژنرال آوریل - که از سوی مطبوعات غربی به دروغ بعنوان رهبر کودتا معرفی شده است - به دلیل عدم آمادگی خود فعلا وی را به این سمت منصوب کرده و در عین حال مشغول پاکسازی ارتش و موسسات دولتی از عناصر باند نامفی و دوولیه هستند. ژنرال آوریل به اعتقاد ناظران سیاسی بدلیل موقعیت متزلزل خود در شرایط کنونی با این اقدامات روی خوش نشان نداده ولی به احتمال زیاد در آینده درگیریا و اختلافاتش با شورشیان ارتشی بالا خواهد گرفت. فعالین اپوزیسیون دموکرات و چپ ضمن استقبال از شورش ارتشیان، بی اعتمادی خود را به ژنرال آوریل و ضرورت اقدامات قاطع علیه بقایای رژیم قبلی اعلام کرده اند. قابل ذکر است که در جریان حوادث هائیتی، کلیسای کاتولیک نیز از اعتراضات تودهای پشتیبانی نموده است.



بدهی ها را لغو کنید!

تشکیل دادند که به بررسی بدهی های سرسام آور کشورهای مختلف آمریکای لاتین، آفریقا و آسیا به بانکهای جهانی پرداخت. در این کنفرانس لغو بدون قید و شرط بدهی های این کشورها طلب شده و در مورد کارکرد استعمارگرانه صندوق بین المللی پول افشاگری صورت گرفت.

در نطق افتتاحیه اجلاس صندوق بین المللی پول صدراعظم آلمان فدرال برای خنثی نمودن تأثیرات افشاکرهای فوق عوامفریبانه خواستار آن شد که کشورهای ثروتمند غربی به وظیفه خود نسبت به کشورهای فقیر عمل نموده و آنها را کمک کنند. اما دولت وی مخالفت خود را با لغو بدهی ها اعلام داشت و این اقدام را به دلیل اینکه اعتبار مالی کشورهای مرفه را از بین میبرد رد کرده است.

● اجلاس سالانه صندوق بین المللی پول در میان موج اعتراضات و تظاهرات خونین نیروهای چپ و رادیکال آلمان فدرال گشایش یافت. این اعتراضات که از مدتها قبل آغاز شده است با نزدیک شدن تاریخ شروع اجلاس سالانه ابعاد وسیعتری بخود گرفت و بصورت زنجیره ای از تظاهرات و راصندان ادامه یافت که طی آن با دخالت پلیس ضدشورش برلین غربی، به زد و خوردهای خیابانی خشن منجر شد.

تاکون در طی این زدوخوردها تعداد زیادی از معترضین دستگیر شده و شماری از آنها مجروح شده اند. نیروهای چپ و ترقیخواه آلمان فدرال قبل از برگزاری اجلاس صندوق بین المللی پول اقدام به افشاکری وسیع برعلیه این نهاد امپریالیستی، بانکداران کمیونز اوائل اهل فقر و فلاکت میلیونها نفر از مردم کشورهای جهان سوم است نموده و یک هفته قبل از تاریخ شروع اجلاس کنفرانس را

ترکیه ۲۵ سپتامبر

● بدنبال همپرسی در مورد ایجاد تغییر در قانون اساسی ترکیه درمورد انتخابات محلی، دولت تورگوت اوزال شکست سختی را متحمل شد. وی برخلاف قول خود و علیرغم اینکه تنها ۲۶٪ رای دهندگان در همپرسی موافق تغییر قانون اساسی هستند، حاضر نشد که از نخست وزیری ترکیه کناره برد.

کره جنوبی ۲۴ سپتامبر

● در جریان برگزاری بازیهای المپیک در سئول پایتخت کره جنوبی، درگیریهای پلیس با دانشجویان مخالف دولت، کم و بیش ادامه یافت. در یکی از مهم ترین زدوخوردها در تاریخ ۲۳ سپتامبر، پلیس اقدام به اشغال دانشگاه سئول و برهم زدن تظاهرات دانشجویانی نمود که خواهان آزادی یکی از رهبران خود بنام چونگ میونگ سو هستند. در ماههای قبل از برگزاری بازیهای المپیک، جنبش اعتراضی دانشجویان که خواستار وحدت دو کره و اخراج نظامیان آمریکایی از این کشور هستند اوج تازماری یافت. و دولت کره در جریان بازیهای المپیک با بکار گرفتن بیش از ۶۰ هزار پلیس و شماربزرگی از نیروهای امنیتی تلاش نمود تا کنترل اوضاع را بدست گرفته و از ادامه اعتراضات جلوگیری کند اما دامنه تظاهرات گسترش یافته و انعکاس وسیعی در سطح کره و سراسر جهان پیدا نمود.

لبنان ۲۲ سپتامبر

● بدنبال عده توافق گروههای سیاسی و مذهبی لبنان برای انتخاب يك رئیس جمهور جدید، که با رسمیت یافتن اجلاس پارلمان این کشور به علت عدم حضور تعداد کافی نمایندگان عملی نمیشود، امین جمایل در آخرین روز ریاست جمهوری خود فرمانده ارتش لبنان را بعنوان نخست وزیر دولت موقت انتخاب نمود. سلیم الحونی نخست وزیر فعلی لبنان حاضر به کارگیری نشده و هم اکنون در این کشور دو دولت که هیچکدام نیز قدرتی ندارند حکومت میکنند. برطبق پاره ای از اخبار، آمریکا و سوریه بر سر انتخاب يك رئیس جمهور مطلوب بنام میشل داهر به توافق رسیدند اما این انتخاب مورد پذیرش مسیحیان مارونی واقع نشده است. همین ناظران امکان تجزیه رسمی لبنان را باتوجه به شدت اختلافات موجود بعنوان يك شق ممکن، محتمل میدانند.



## اعتصاب سراسری پست در انگلستان

اعتصاب سراسری کارگران پست انگلستان برای دو هفته سیستم پستی کشور را بطور کامل فلج کرد. کارگران در تاریخ ۳۱ اوت در اعتراضی به عدم برابری کسک هزینهها به يك اعتصاب يك روزه دست زدند. تعدادی از کارگران علیرغم رهنمود رهبری اتحادیه به اعتصاب خود ادا نه داده و بعد از چند روز اعتصاب را به سرتاسر کشور گسترش دادند.

لازم به تذکر است که پست انگلستان کاملا دولتی است و روزانه تعداد ۵۰ میلیون نامه و بسته پستی را نقل و انتقال میدهد. اعتصاب یکپارچه کارگران پست سیستم ارتباطاتی کشور را بطور کامل فلج کرد. فشار از پائین کارگران باعث شد که رهبری اتحادیه را ناگزیر از دنبالروی بدنه کارگران کند. نهایتا بعد از دو هفته اعتصاب رهبری اتحادیه با گرفتن قول از دولت که کسک هزینهها را بطور یکسان در سرتاسر کشور پرداخت خواهد کرد به اعتصاب خاتمه داد. علیرغم این برخی از کارگران بخصوص در شهرهای لیورپول، منچستر و اسکاتلند از بازگشت سرکار تا نتیجه نهائی مذاکرات امتناع کردند. این اعتصاب، همانند اعتصاباتى که در یکسال گذشته سیماى انگلیس تاجرزده را به لیزش درآورده نشان جوش از پائین و رادیکالیزه شدن بدنه کارگران دارد بطوریکه رهبری اتحادیهها را وادار به اتخاذ مواضع خلاف تمایلات سازشکارانه خود میکند.

## احمد شاملو در اروپا

روزهای ۲۰ و ۲۲ سپتامبر شهر برلین غربی شاهد گردهمائی صدها نفر از دوستاران و شیفتگان شعر و ادب پیشرو بود که مشتاقانه در این شهر حضور بهم رسانده بودند تا از نزدیک چهره مجسم شعر امروز کشورمان - شاملو - را ببینند. احمد شاملو (الف. باامداد) بزرگمرد جاودانه شعر ایران در این دو روز با شرکت در جلسات شعرخوانی دوستاران خود را سیراب کرد. در شب شعر ۲۰ سپتامبر که حدود هزار نفر در آن شرکت داشتند، شاملو اشعار دورههای متفاوت زندگی خود را خواند. که شامل اشعار قدیمی در رثای انقلابیون سالهای ۳۰ و ۵۰، اشعار عاشقانه سالهای ۴۰ تا سرودهای جدید مربوط به سالهای اخیر که دستبزنونفسی ایدئولوژیک فلسفی وضعیت حاکم بر میهنان است، بود. سراینده "درجدال با خاموشی" اینبار چنین گفت: "ایله - مردا من عدوی تو نیستم انکار توام".

جلسه شعرخوانی ۲۲ سپتامبر برای علاقمندان آلمانی زبان ترتیب یافته بود که اشعار بهرراه ترجمه آلمانی آنها خوانده شد. در پایان شعرخوانی، شاملو به سوالات حاضرین در زمینههای مختلف اشعار خود پاسخ گفت.

همچنین قرار است در هفتههای آینده برنامههای مشابهی در شهرهای آلمان فدرال به اجرا درآید.

## شیلی - ۲۷ سپتامبر

آن مردم شیلی اجازه یافتند که دیکتاتور تبهکار را یکبار دیگر بعنوان رئیس جمهور انتخاب کنند. قرار است در ماه اکتبر در شیلی فراندومی از جانب پینوشه برگزار شود که در صورت جواب "آری"، دیکتاتور نظامی يك دوره دیگر بعنوان رئیس جمهور باقی بماند. اپوزیسیون چپ و مترقی شیلی نهضت گستردهای برای جواب "نه" در فراندوم بیا کرده است.

خانم هورتسیا بوسی بیوه سالودور آگنده رئیس جمهور فقید شیلی که بدست کودتاچیان تبهکار برهبری پینوشه در سپتامبر ۱۹۷۳ به قتل رسید، اجازه یافت که به کشور خود مراجعه نموده و از جملات آرامگاه همسر خود را بازدید کند. این اقدام دولت پینوشه که شامل تعداد دیگری از رهبران و فعالین اپوزیسیون نیز میشود به هدف عادی نشان دادن شرایط فعلی است که طی



به دیکتاتور پینوشه، نه بگوئید!

## السالوادور ۲۲ سپتامبر

ادعای روستائیان سن سباستیان از سوی منابع حقوق بشر در سان سالوادور مورد تأیید قرار گرفته است. کشتارهای سیستماتیک روستائیان که به هدف ارباب توده های زحمتکش صورت میگردد از جمله اقداماتی است که تاکنون معمولاً بدست جوخههای مرگ دست راستی صورت میگرفته و ارتش سالوادور در ظاهر کمتر به اینگونه اقدامات دست میزد است.

برطبق گزارش اهالی روستای سن سباستیان يك واحد ویژه ارتشی بنام گردان جیبوا در روستای فوق اقدام به قتل ده نفر از ساکنین روستا که مظنون به طرفداری از جبهه فاراباندومارتی بودند نموده است. مقامات نظامی السالوادور ادعا میکنند که افراد فوق اعضا يك کوماندوی جبهه فاراباندومارتی بودند که در روستای فوق نافلکیر شده و طی زد و خورد به قتل رسیدند.

## هامبورگ آلمان فدرال

## زبان نگاه عکس و نقاشی

در روز ۸۸/۹/۲۰ "کانسون هنرمندان و دوستاران هنر" اقدام به برگزاری نمایشگاه عکس و نقاشی از آقای داود روستا و نمایشگاه خط از آقای رحیمی کرد. این نمایشگاه بمدت يك هفته ادامه داشت. در شب افتتاح برنامههای هنری از قبیل رقص محلی، شعرخوانی، پانتومیم نیز به اجرا درآمد.

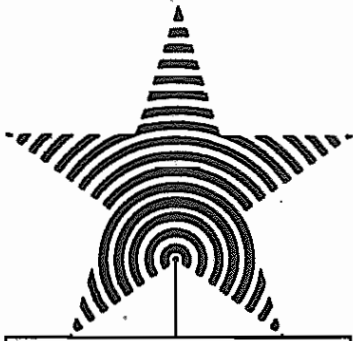
## سوئد شب شعر

روز یکشنبه ۴ سپتامبر، شب شعری با شرکت چند تن از سراینندگان تبعیدی در یکی از کسپ های پناهندگی شیر مالمو برگزار گردید. در این شب تعدادی از هموطنان ما از شهرهای لوند و مالمو و کسپ موسیپان به اشعاری که عمدتاً در تجلیل از شهدا، همبستگی با زندانیان سیاسی و پیرامون اوضاع کشور بود، گوش فرا دادند. کسانیکه سرودههایشان را قرائت کردند، عبارت بودند از: حسن غلامعلی پور - ساحل نشین، احمد مونی - سینا، امیر و جوانی با نام "جویا".

با کمک های مالی خود

سازمان را در امر مبارزه

انقلابی یاری رسانید



صدای کارگر

را بیوی ساز وطن کارگران انقلابی ایران بزرگوار

- ★ برنا مه صدای کارگر هر شب ساعت ۶ روی موج کوتاه ردیف ۷۵ متربرابر با ۴ مگا هرتز پخش می گردد.
- ★ این برنا مه ساعت ۹ همان شب ساعت ۶ صبح روز بعد مجدداً پخش می گردد.
- ★ جمعه ها برنا مه ویژه پخش می شود
- ★ ساعت و طول موج صدای کارگر را به خاطر بسپارید؛ ساعت پخش و طول موج صدای کارگر را به هر وسیله ممکن به اطلاع کارگران و زحماتشان برسانید و آنان را به شنیدن صدای کارگر دعوت نمائید!

آدرس پیام کارگر

POSTFACH 650226 1-BERLIN 65

ALIZADI B.P. 195 75564 PARIS -CEDEX 12 FRANCE

لیست کتکهای مالی

ف - ر	۶۰ مارک	ظفر	۱۰۰
پیزاد	" ۵۰	" ۵۰	" ۵۰
س - س	" ۲۰۰	" ۲۰۰	" ۱۰۰
سپیده	" ۵۰	" ۵۰	" ۱۰۰
ن - ه	" ۱۰۰	نوری	۱۰



علیه حمام خون در زندانهای ایران بیاخیزیم!

رژیم جنایتکار، جمهوری اسلامی بدسال شکست در جنگ ارتجاعی ۸ ساله از ترس خیزش انقلابی توده های مردم سرکوب فاشیستی خود را شدت بخشیده است. یورش به سنگر بی دفاع زندانیان سیاسی و پرباشی حمام خون در این زندانها حلقه مقدم این سیاست دهنشانه مرعوب ساختن توده ها است.

با آثار موج جدید انتقادات گسترده جمعی زندانیان سیاسی و خانواده های تجدید یافته آنان به انتقادات اعتراضی ویرانگر دست زدند. انتصاب قنای جمهوری زندانیان سیاسی زندان اوین بعد از ۲ هفته در براد ماه و تخصص پرشکوه خانواده های زندانیان سیاسی در محوطه دادگستری تهران در اواخر براد ماه در اعتراض به قطع ملاقات زندانیان سیاسی، گوشه ای از این مبارزات دلنوا است. با ایتیمه غیرمعمول مبارزات شجاعانه و خشکی نابینا خانواده های زندانیان سیاسی و مقاومت فرزندان فهیمان آنان، گستاخ مستحکم زندانیان سیاسی همچنان ادامه دارد و در هفته های اخیر به این تازه ای رسیده است. بنابه گزارشاتی که در دست داریم تاکنون یک هزار تن در جریان اسیر یورش متوال وار جلادان فقها به زندان ها قربانی شده اند. اعدام ۱۲ تن در ترمیمه اول شهریور ماه در زندان اوین، تصفیه خونین در زندان "نجر" اهواز که در اواخر براد آغاز شد و تاکنون به اتمام ۲۶ تن از فرزندان دلاور خلق و انتقال ۳۰۰ تن از زندانیان، با دلایل مشکوک به اصفهان منجر شده است. اعدام ۲۶ نفر در نابل و ۹ نفر در گانان، تجدید بازجویی و شکنجه زندانیان سیاسی در زندان عادل آباد شیراز و سببی تجدید محاکمه کلیه آنان، تنها سانکر گوشه ای از جنایات تازه رژیم در زندانهاست که اخبار آن بتازگی به خارج نیز رسیده است. این اخبار آشکارا نشان میدهند که رژیم باسوس استفاده از ائت مشاورین الطلی بدتعال پیگیری آتش بس و حالت سر و انتظار بوقت ناشی از توقف ناگهانی جنگ در شان مردم، سیاست بیرحمانه گستاخ وسیع و دسته جمعی زندانیان سیاسی را با شدت هرچه تاثیر اندام میدهد.

کارگران، جستگاران و آزادگان ایران!

برای دفاع از زندانیان سیاسی، برای مقابله با گستاخهای دسته جمعی در زندانهای ایران بیاخیزید. هر لحظه سکوت و بی تلاوتی در شمال جنایات رژیم در زندانها، عواقب جبران ناپذیری بدسال خواهد داشت. بدون دفاع از رزمندگان آزادی، کشور ما روی آزادی بخود بخواید دید. از هر طریق ممکن برای نجات جان زندانیان سیاسی متحد شوید! جنایات رژیم را در زندانها ایشا کنید! اخبار مقاومت زندانیان سیاسی و خانواده های آنان را هر چه وسیع تر پخش کنید! از حرکات اعتراضی آنان از هر طریقی که بتوانید پشتیبانی کنید!

در انتقادات حساسی کمی که گشتاری و حشینه و گسترده در زندانهای ایران ایجاد میکند، سازمان ما، از همه اجزای، سازمانها و شخصتهای انقلابی، آزادیخواه و انسان دوست ایرانی و غیر ایرانی تقاضا میکند که تا نسبت باقی است برای مقابله با این گستاخ و حشینه با تمام نیرو تلاش کنند و فریاد اعتراضی خود را علیه حمام خون در زندانهای ایران هرچه وسعتر سازند، ما به سهم خود از هرگونه اقدام مشترک در این راه استقبال می کنیم.

سرتنگین باد جمهوری اسلامی زنده باد آزادی! زنده باد سوسیالیسم!

دفتر سیاسی سازمان کارگران انقلابی ایران (راکارگر) ۱۰ خیر ۱۳۶۷

گزارش عفوبین الملل درباره پناهندگان ایرانی در ترکیه

ترکیه کشوری نامن برای

متقاضیان پناهندگی ایرانی

"عفوبین الملل" گزارشی در مورد بازگرداندن ایرانیان از ترکیه به ایران تهیه کرده است که ما خلاصه ای از آنرا که در ماه ژوئیه ۸۸ منتشر گردیده در اینجا درج میکنیم.

صدها ایرانی از حوالی مرزهای ایران و ترکیه به ایران برگردانده شده اند. به این عده اجازه تقاضای پناهندگی به دفتر عالی امور پناهندگان سازمان ملل در ترکیه (UNHCR) و یا تقاضای پناهندگی به مقامات مسئول دولت ترکیه داده نشده است. در برخی از موارد حتی ایرانیانی که توسط UNHCR بعنوان پناهنده شناخته شده اند به زور به ایران عودت داده شده اند.

از ماه نوامبر ۱۹۸۶ تاکنون حداقل ۴ ایرانی پناهنده از میان عده ای که به زور به ایران برگردانده شدند اعدام شده و بقیه شکنجه و زندانی گردیدند.

از بین ۶۰۰۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰۰۰ ایرانی که

در ترکیه بسر میبرند فقط بخش کوچکی متقاضی پناهندگی سیاسی میباشند. تخمین های ارائه شده به عفوبین - الملل حاکی است که در دو سال اخیر بین صدها و هزارها مورد از چنین برگرداندنهایی در مورد ایرانیان در ترکیه اتفاق افتاده است.

همکاریای بین مرزی بین دولتهای ایران و ترکیه به این فکر دامن میزند که احیاناً دولت ترکیه مخالفین سیاسی ایران را بدست مقامات ایرانی تحویل میدهد و این عده طبیعتاً با خطر شکنجه و اعدام روبرو خواهند شد. در فوریه ۱۹۸۸ آزادی خبرگزاری رویتر گزارشی داد که: "وزیر امور خارجه ایران علی اکبر ولایتی در هفته گذشته از آنکارا خواست که فعالین سیاسی مخالف ایران را که بالغ بر صدها هزار ایرانی میشوند و از انقلاب اسلامی ۱۹۷۹ بدینسو به ترکیه مهاجرت کردند را درم بشکند. مقامات رسمی معتقدند که دولت ایران در مقابل فعالیت چریکهای کرد ترکیه را که برای خودمختاری می جنگد و با آنکارا در تنازع بسر میبرند و بقیه در صفحه ۱۳